



# پیام سندیکا

## پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۷۵ / سال هشتم / دی ماه ۹۷ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران

# زندان چاره کار نیست! حقمان را بدهید

# و کارگران زندانی را آزاد کنید!

در این شماره می خوانید:



# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از سراسر کشور ص ۱۷

وضعیت شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ص ۲۹

گزارشی از سالگرد تأسیس قانون صنفی معلمان ص ۳۱

مشکلات پیش روی کارخانه هفت تپه ص ۳۳

شباهت های اعتصاب در ایران و فرانسه ص ۳۶

شعرهای کارگری ص ۳۸

همبستگی با کارگران هفت تپه ص ۴۱

چشم‌انمان را باز کنیم! ص ۴۲

ماجرای نماینده سراوان ص ۴۳

درد دل های کارگران ص ۴۵

تर्फند های فریبده سرمایه داری در نبرد طبقاتی ص ۴۶

وضع معیشت بازنشستگان ص ۵۲

قانون موقت کار ص ۵۳

جلیقه زردهای فرانسوی چه می‌خواهند؟ ص ۵۵

نبوغ کارگری ص ۵۶

آگهی و قبحانه یک مرکز دانشگاهی ص ۵۸

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۵۹

خوشنوی قانونی علیه کودکان !! ص ۶۱

سومین قهرمانی دختر نابغه ی بلوچستانی! ص ۶۳

تاریخچه جنبش سندیکایی ص ۶۴

پیدایش حیات ص ۶۵

اقتصاد سیاسی ص ۶۷

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دوزبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس [sfelezkar.com](http://sfelezkar.com) مراجعه کنید.

**کنفدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال از دولت ایران خواستار شده است که بدون هیچگونه تاخیری بلافاصله همه کارگران شرکت ملی فولاد ایران را که بخاطر طلب حقوق و خواست های اساسی خود دستگیر شده اند را آزاد کند.**



در روز چهارشنبه ۲۸ آذرماه (۱۹ دسامبر) آقای والتر سانچز، دبیرکل کنفدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال، در نامه ای “به نمایندگی از طرف ۵۰ میلیون عضو این نهاد سندیکایی بین المللی با نفوذ در صنایع معدن، انرژی و تولید در بیش از ۱۴۰ کشور و از جمله ایران”، خطاب به دکتر حسن روحانی ، رئیس جمهور، از او خواست که “در رابطه با آزادی ۴۱ کارگر شرکت ملی فولاد ایران در اهواز که به دلیل مشارکت در اعتصاب برای طلب پرداخت دستمزدهای معوقه ۴۰۰۰ کارگر شرکت دستگیر شده اند، اقدام نماید.”

لازم به یادآوری است که دوسال پیش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در کنگره جهانی اینداستریال در برزیل به عضویت رسمی این مرکز با نفوذ سندیکایی انتخاب شد، و در رابطه نزدیک با آن فعالیت می‌کند.

آقای والتر سانچز در بخشی از نامه امروز خود به نامه مشابهی که در تاریخ ۵ مارس ۲۰۱۸ (۱۴ اسفند ماه ۱۳۹۶) به ریس جمهور ایران نوشته بود که در آن او را فراخوانده بود که "بلافاصله برای تضمین پرداخت دستمزدهای معوقه و پرداخت نشده این گروه کارگران اقدام نماید"، اشاره کرده و می‌افزاید: "واضح است که شما این کارها را انجام نداده اید و دولت شما رویکردی متفاوت دارد که کنفدراسیون سندیکایی اینداستریال آن را به شدت محکوم می‌کند." کپی این نامه به ضمیمه برای اطلاع آقای روحانی ارسال شده است. دبیرکل اینداستریال در ادامه نامه خود به شرح جزئیات اطلاع رسانی شده به کنفدراسیون خود می‌پردازد و از حمله اضافه می‌کند: "به من اطلاع داده شده است که نیروهای نظامی امنیتی جمهوری اسلامی ایران پس از دو روز متوالی حملات وحشیانه به خانه های کارگران اعتصابی مجتمع فولاد اهواز، ۴۱ کارگر را دستگیر کرده اند. ۳۱ کارگر حدود ساعت ۲ صبح روز دوشنبه ۲۶ آذرماه، (۱۷ دسامبر ۲۰۱۸) دستگیر شدند و دست کم ۱۰ کارگر دیگر در تاریخ ۲۷ آذرماه (۱۸ دسامبر ۲۰۱۸) دستگیر شدند." در طی این دستگیری ها، نیروهای دولتی ایران، با استفاده از تاکتیک های خشونت آمیز، برخی از کارگران فولاد را در مقابل اعضای خانواده ضرب و شتم کردند و وسایل شخصی آن ها، از جمله تلفن های همراه آن ها را ضبط کرده اند. پس از این دستگیری ها، نیروهای پلیس و سپاه پاسداران بخش هایی از شهر اهواز را برای جلوگیری از گرد هم آمدن و تجمع کارگران اعتصابی به اشغال خود درآوردند. با این وجود، گروهی از کارگران شجاعانه به اعتراض پرداختند و خواستار آزادی همکاران دستگیر شده گردیدند.

والتر سانچز در بخشی از نامه مفصل خود به رییس جمهور حسن روحانی متذکر می‌شود که این مشخص است که "نیروهای امنیتی و اطلاعاتی از

همان راهکارهایی که در برخورد با کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه بکار بردند و از جمله دستگیر کردن نمایندگان کارگران اعتصابی و سپس براه انداختن کارزار ایجاد رعب و وحشت در میان دیگر کارگران استفاده می کنند. ”دبیر کل کنفدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال در بخشی بعدی نامه خود اسامی همه ۴۱ کارگر فولادگر دستگیر شده توسط نیروهای امنیتی- انتظامی جمهوری اسلامی را متذکر شده و از رییس جمهور ایران خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط تک تک آن ها شده است. در بخش نهایی نامه خود، آقای سانچز، دبیر کل کنفدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال اضافه می کند:

”کنفدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال قویاً دستگیری کارگران اعتصابی فولاد اهواز را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها می باشد. کنفدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال همچنین خواستار پرداخت همه حقوق ها و دستمزد های عقب مانده و پرداخت نشده کارگران، قطع بلافاصله تمام اقدامات طراحی شده برای اعمال فشارهای فرسایشی به نیروی کار، تضمین و محافظت از حقوق اساسی کارگری، از جمله حق کارگران به پیوستن به سندیکا‌های مورد نظر خود و شرکت در همه تعاملات جمعی به منظور تضمین حقوق صنفی خود در رابطه با قراردادهای کاری است.“

ما اقدام سریع و پاسخ شما را انتظار داریم.

**ارادتمند شما، والتر سانچز، دبیر کل اینداستریال**

**۲۸ آذر ۱۳۹۷**

## اسماعیل بخشی همچنان بخشی از جنبش کارگری ایران است.



علیرغم هر گونه فشار به اسماعیل بخشی، و بازداشت او و دیگر کارگران در هفت تپه و اهواز در هفته های گذشته، باعث نخواهد شد که خواست و مطالبات کارگران در سینه ها خفه شود.

اسماعیل بخشی بعنوان یک کارگر و نماینده کارگران هفت تپه همچنان در صف طبقه کارگر قرار دارد .

سکوت معنادار اسماعیل بخشی پر معنا تر از هارت و پورت افراد و جریاناتی بود که تحت عنوان دفاع از کارگران، وجود سندیکای هفت تپه را

منکر شدند و بود و نبود نمایندگان کارگری از جمله اسماعیل بخشی و علی نجاتی را در هفت تپه را آگاهانه خط زدند.

بله ، سکوت اسماعیل بخشی رساتر از هر صدایی بود که سعی نمودند با خبر رسانی، یک چهره دروغین از خود بسازند.

اسماعیل بخشی نماینده و صدای کارگران هفت تپه بوده و هست و سکوت معنادار او باعث نشد که کارگران هفت تپه و در بعد سراسری، کارگران ایران، اسماعیل بخشی را فراموش کنند.

اسماعیل بخشی بعنوان یک کارگر و بعنوان یک نماینده واقعی در سخت ترین شرایط در کنار کارگران ایستاد و حاضر نشد به منافع کارگران پشت کند.

سندیکای کارگران هفت تپه ضمن حمایت همه جانبه از اسماعیل بخشی ، از تمام زحمات تاکنونی او ، قدردانی کرده و امید داریم که با پشت سر گذاشتن این دوران سخت ، شاهد حضور دوباره او باشیم .

بی شک کارگران هفت تپه و دیگر کارگران در ایران برای نمایندگان خود و کارگرانی که در راه حق خواهی و کسب مطالبات کارگران قدم بر می دارند از رش و احترام خاصی قائل خواهند بود.

سندیکای کارگران هفت تپه خواستار آن است که پرونده سازی علیه اسماعیل بخشی پایان پذیرد و علی نجاتی از نمایندگان اسبق کارگران هفت تپه و عضو کنونی سندیکای کارگران هفت تپه، سریعا و بی قید و شرط و بدون قرار وثیقه آزاد گردد.

**سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه**

۳ دی ماه ۱۳۹۷

## انتقال علی نجاتی به بند "سلامت" زندان

علی نجاتی طی تماس تلفنی از زندان شوش اعلام کرده است که به بند "سلامت" منتقل شده است.

این در حالی است که پرونده دوم وی به هیچ کدام از شعبه های دادسرای شوش ارجاع نشده و بازجویی های علی نجاتی نزد دادستان انجام گرفته و عملاً هنوز پایان بازجویی علی نجاتی اعلام نشده است.

علیرغم ادعای اولیه که علی نجاتی عضو سندیکای هفت تپه به دلیل محکومیت قبلی برای اجرای حکم دستگیر شده است، اما در مراحل بعدی با مراجعه وکیل، مشخص شد که پرونده جدیدی برای این عضو سندیکای هفت تپه به اتهام شرکت در اعتصابات هفت تپه باز شده است.

یاد آوری این مسئله ضروری است که سلامت علی نجاتی به دلیل بیماری قلبی به گونه ای نیست که بتواند در محیط بسته و شلوغ باشد.

اما علی نجاتی هم اکنون به يك بند شلوغ منتقل شده است که افراد سیگاری زیادی در آنجا بوده و دود سیگار برای سلامتی علی نجاتی بسیار مضر و آزار دهنده است.

سندیکای نیشکر هفت تپه، ادامه بازداشت علی نجاتی، عضو هیات مدیره سندیکای هفت تپه را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او می باشد.

**سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه**

۱۳۹۷/۱۰/۲



## به بازداشت کارگران معترض پایان دهید!



متأسفانه با خبر شدیم شب گذشته عده ای از کارگران فولاد در خانه های خود بازداشت و به محل نامعلومی برده شده اند. نگاه اقتدارگرایانه و سلبی در خصوص اعتراض مدنی کارگران برای حفظ کار و تامین معیشت شان، بنابر اصول قانون اساسی و مقاوله های بین المللی بسیار ناپسند و محکوم است. کارگرانی که با سیاست های ناکارآمد دولت در به وجود آوردن فضای رانتی، سال هاست سفره هاشان کوچک و کوچک تر شده است و در تامین نیازهای اولیه ی خود مشکلات فراوانی را تحمل می کنند آیا جز اعتراض راه دیگری برایشان مانده است؟ آیا برخورد امنیتی، تهدید و ارباب نسبت به کارگران این موطن پاسخ مناسبی برای حفظ معیشت شان است؟ بی تردید، به کارگیری ضرب و زور در برابر خواسته های حقیقی مزدبگیران نوعاً پاک کردن صورت مسئله است. اینکه مدت هاست معلمان و کارگران تحت فشار نهادهای امنیتی قرار می گیرند چیزی جز بروز ناکامی سیاست های اقتصادی و اجتماعی به کار گرفته شده توسط دولت‌ها در سطح اجتماع به وجود نیاورده است. ادامه ی این روند منتج به نتایج گران باری خواهد شد. شعار ایجاد رفاه عمومی و گسترش عدالت اجتماعی چهل سال است از بلندگوهای تبلیغاتی

دولت ها به گوش می رسد بی آنکه حتا اندکی از این جملات دهان پُر کن در سطح جامعه محقق شده باشد.

کارگران این سرزمین، فقیرترین آحاد جامعه هستند و بنابر آمارهای رسمی درصد بسیار بالایی از مزد بگیران زیر خط فقر زندگی می کنند. از طرفی، با اجرای خصوصی سازی در کشور به جای رفع نواقص بازار و ایجاد زیر ساخت های اقتصادی مناسب جهت تامین معیشت و برخورداری از منابع توسط همه ی اقشار، شاهد بروز فقر و نداری در میان سبد اقتصادی کارگران هستیم. پرسش این جاست آیا باید در برابر بی عدالتی و تشکیل امپراطوری کارتل های وطنی سکوت کرد؟ یا بایست با اقدامی مدنی نسبت به مقابله با پدیده ی شوم نابرابری اعتراض کرد؟

در یک ماه گذشته به کرات شاهد اعتراض های مدنی کارگران بوده ایم و دولت مردان به جای یاری رسانی و ایجاد بستری مناسب جهت بهبود شرایط، فقط سکوت پیشه کرده اند و در این کارزار نیروهای امنیتی با برخورد خشن با مزدبگیران، اندک امیدی را برای کاهش فاصله ی طبقاتی و تامین عدالت اجتماعی از روح و جان ما کارگران گرفته اند. بازتاب عملیات ساکت سازی معترضان به خوبی نشان از عدم کارایی و دقت دولت مردان در ایجاد راهبردی عملی برای بهبود وضعیت است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران با توجه به بیانیه های قبلی خود، هرگونه بازداشت و تهدیدکارگران رامحکوم نموده و آزادی بی درنگ کارگران فولاد اهواز و هفت تپه و خانم ها عسل محمدی و سپیده قلیان را خواستاریم. کانون قدرت باید به سرعت و با درایت و رواداری برای رفع مشکلات کارگران اقدام نماید.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

۲۶ آذر ۱۳۹۷

## شب گذشته با یورش نیروهای امنیتی تعدادی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز در خانه هایشان بازداشت شدند!

تعدادی از کارگران "گروه ملی فولاد اهواز" با یورش نیروهای امنیتی در نیمه های شب یکشنبه ۲۵ آذر بازداشت شدند. اخبار دقیقی از تعداد بازداشت شدگان وجود ندارد. بنابر گزارش ها اسامی غریب حویزاوی، طارق خلفی، حسین داودی، مصطفی عبیات و کریم سیاحی بازداشت شده اند. کارگران "گروه ملی فولاد اهواز" ۳۷ روز است که برای مطالبات خود در اعتصاب بسر می برند. و خواسته های خود را در خیابان های شهر اهواز فریاد می زنند اما از طرف مسئولین اراده ای برای رسیدگی به مشکلات کارگران وجود نداشته است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تهاجم شبانه به خانه های کارگران "گروه ملی فولاد اهواز" و بازداشت شان را قویا محکوم می کند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران بازداشت شده می باشد.

**سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه**

۲۶ آذر ۱۳۹۷

**اتحاد رمز پیروزی است  
متحد شویم!**

## زندان چاره کار نیست!

اطلاع یافتیم میثم آل مهدی کوشنده کارگری شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز امروز سه شنبه درمقابل خانه اش دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شد. مدت هاست کارگران از خصوصی سازی کارخانه ها و کارفرمایان اختلاس گر شکایت به همه مراجع قانونی برده اند ولی گوش شنوایی نبوده است. امروز این خصوصی سازی ها هپکو، تراکتورسازی و ماشین سازی تبریز، فولاد زاگرس، فولاد اهواز، هفت تپه را به ورشکستگی کشانده و نان فرزندان کارگران و خانواده هایشان را با مخاطره روبرو نموده است.

آقای رییس جمهور و آقای وزیر کار،

اگر به شما هم چندین ماه حقوق ندهند و دست خالی به خانه بروید چه می کنید؟؟ شما و اجرای برنامه های صندوق بین المللی پولتان باعث این گرفتاری ها برای کارگران شده است. شما و اجرای برنامه های ناکارآمد اقتصادی که از سوی نا استادان و مشاوران شکم سیرتان ... همچون موسی غنی نژاد و پرفسور مولانا باعث به خیابان آمدن کارگران شده اید و باید شماها را به زندان انداخت نه میثم آل مهدی را. زندانی کردن کارگران فولاد و هفت تپه و هپکو .... چاره کار شما نیست. مگر می توانید همه کارگران فولاد و هفت تپه و ایران را زندانی کنید؟ باید دست اختلاسگران و کارفرمایان بی عرضه را از اقتصاد و صنعت قطع کرد. باید به جای خصوصی سازی از مدیریت کارگری کمک گرفت و سندیکاهای کارگری را در این امور دخیل کرد و مدیرانی که قبلشان برای صنعت می تپد نه جیب شان را به خدمت درآورد.

میثم آل مهدی تنها نیست، همه اعضای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و همه کارگران ایران همراه اویند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۰ آذر ۱۳۹۷

## همبستگی سندیکای کارگران فلزکار ترکیه با اعتصاب کارگران فولاد اهواز



کارگران شرکت گروه ملی صنایع فولاد ایران در شهر اهواز در منطقه نفت خیز خوزستان ایران، به دلیل دریافت نکردن دستمزدهای خود، اعتصاب کرده اند. ما، اتحادیه کارگران متحد فلزکار ترکیه، همبستگی خود را با کارگران اعتصابی فولاد اهواز که به مدت ۳۱ روز است در اعتصاب می باشند، اعلام می کنیم.

مطالبه بسیار اساسی تعداد چهار هزار کارگر فولاد کار گروه ملی صنایع فولاد، پرداخت ماه ها دستمزد معوقه شان است که پرداخت نشده است. آنها همچنین خواستار دولتی کردن مجدد کارخانه فولاد می باشند و به کارگران کارخانه شکر هفت تپه در شهر شوش که به دلیل دستمزدهای پرداخت نشده خود در اعتصاب هستند، پیوسته اند.

در ماه اوت امسال، اتحادیه ما میزبان نمایندگان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران بود. در طی این نشست، آنها شرایط سخت کار تشکلی های مستقل کارگری و سرکوب شدیدشان توسط حکومت را به ما بازگو کردند. آنها همچنین به ما اطلاع دادند که در حال حاضر حداقل دستمزد در ایران حدود صد دلار می باشد و کارگران بسیاری از کارخانه ها باید پنج یا شش ماه منتظر دریافت حقوقشان بمانند.

در طی این نشست، به تحریم ها و محاصره اقتصادی ایران توسط ایالات متحده نیز اشاره شد و اینکه بیشترین آسیب به طبقه کارگر ایران می رسد که برای دستیابی به نیازهای اساسی خود مانند غذا و دارو، دچار مشکل خواهند شد. بنابراین، لازم است که جنبش جهانی اتحادیه های کارگری همبستگی خود را علیه این تحریم ها نشان دهد. تحریم هایی که موجب تعطیلی کارخانه ها و ایجاد شرایط ناامید کننده برای کارگران می باشد.

با توجه به اعتصاب کارگران فولاد در شهر اهواز، ما به عنوان اتحادیه کارگران متحد فلزکار از طرف طبقه کارگر ترکیه اعلام می داریم که در برابر رژیم سرکوبگر ایران و تحریم های ایالات متحده که سبب فقر بیشتری برای طبقه کارگر ایران می شود، شانه به شانه با مردم ایران هستیم.

## اتحادیه کارگران متحد فلزکار ترکیه

استانبول ۱۱ دسامبر ۲۰۱۸

۲۸ آذر ۱۳۹۷

گسترده تر باد همبستگی جهانی کارگران علیه  
سرمایه داری

## شکنجه فعالان اتحادیه های کارگری همزمان با گسترش اعتصاب ها در ایران



موج اعتصاب ها در استان خوزستان منجر به دستگیری و شکنجه رهبران و فعالان کارگری شده است.

کارگران کارخانه فولاد ملی ایران در اهواز با ادامه اعتصاب های مکرر خود در طی یک سال گذشته، خواهان پرداخت دستمزد های معوقه و بازگشت کارخانه به مالکیت عمومی شده اند. آنها با کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، که بیش از یک ماه است در رابطه با دیرکرد در پرداخت دستمزد و فساد اداری مدیران در اعتصاب می باشند، اعلام همبستگی نموده اند. همچنین، اعتصابات دیگر در پالایشگاه نفت آبادان، پروژه مترو اهواز و در میان کارمندان شهرداری حمیدیه در جریان است.

دولت ادعا کرده است که اعتصاب ها توسط دشمنان خارجی کشور هدایت می شوند که سعی در از بین بردن اقتصاد دارند. اما کارگران با این توصیف که “ایران شده دزد خونه، توی جهان نمونه” پاسخ می دهند و تاکید دارند که “دشمن ما همینجاست، دروغ میگن آمریکاست”.

در ۱۸ نوامبر (۲۷ آبان ماه)، تظاهرات ۴۰۰۰ نفری کارگران نیشکر هفت تپه در شوش مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفت و ۱۸ تن از رهبران آنان دستگیر شدند. روز بعد، کارگران فولاد اهواز در همبستگی با این کارگران یک تجمع چند هزار نفری برپا کردند. فولادگران اهواز با راه پیمایی در مقابل فرمانداری در اهواز، خواهان آزادی این فعالان کارگری شدند. دانشجویان چند دانشگاه در ایران نیز به حمایت از آنها پرداخته اند. مقامات حکومتی تعداد ۱۴ تن از فعالان را آزاد نموده ولی اسماعیل بخشی، محمد خانی فر، مسلم آرمند، حسین فاضل و ، سپیده قلیان یک فعال دانشجویی، هنوز در زندان هستند.

گزارش های متعددی از شکنجه شدن فعالان دستگیرشده دریافت می شود. خانواده های بخشی و قلیان که اخیرا موفق به دیدار زندانیانشان شدند نیز این گزارشات را تایید کرده اند که این دو فعال کارگری، مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته و در سلول انفرادی نگهداری می شوند. جراحات شدیدی در ناحیه سر بخشی دیده شده است. وی تحت فشار قرار گرفته تا مجبور به اعلام پایان اعتصاب گردد.

سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک ایران، که از اعضای رسمی فدراسیون سندیکایی بین المللی اینداستریال IndustriALL Global Union می باشد، اعلام کرده است که: “ضمن محکوم کردن شدید شرایط جسمی و روحی ایجاد شده برای اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنان هستیم. مسئولیت تمام زجر، آزار، ضرب و شتم و وضعیت به وجود آمده برای آنان مستقیما بر عهده دولت ایران و حفظ سلامت و امنیت



آنان وظیفه مقامات قضایی- امنیتی و دولت است. ما تمام کارگران در سراسر ایران و اطراف جهان را فرا خوانیم که به کارزار برای آزادی همه آنانی که دستگیر شده اند به پیوندند.

کمال اوزکان، معاون دبیر کل فدراسیون بین المللی سندیکایی اینداستریال IndustriALL Global Union گفت: "تلاش برای شکستن اعتصاب از طریق خشونت و تهدید و ارعاب برای رژیم ایران ننگ آور است. کارگران برای دریافت دستمزد به حق خود اعتصاب کرده اند و رهبرانیشان بدلیل دفاع شجاعانه از آنها، تحت شکنجه قرار گرفته و رنج می برند. حکومت ایران باید به حقوق آزادی های سندیکایی و کنوانسیون های سازمان بین المللی کار، به ویژه مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ احترام بگذارد. اتحادیه های کارگری باید بتوانند بدون هراس و آزار و اذیت کار خود را انجام دهند و کارگران باید حق تشکیل اتحادیه های مستقل را داشته باشند".

هر دو کارخانه های فولاد و مجتمع نیشکر هفت تپه در شرایط سؤال برانگیزی خصوصی شدند. مالکان خصوصی که این دو کارخانه را با قیمت ارزان خریده اند به طور مرتب از پرداخت دستمزد کارگران امتناع کرده اند. مدیریت جدید این دو مجتمع، اتحادیه های کارگری مستقل را به رسمیت نمی شناسند. این اتحادیه ها گاهی با برگزاری اعتصابات پراکنده موضعی، موفق به کسب دستمزد های معوقه کارگران می شوند.

**\* فدراسیون جهانی اینداستریال (IGU) IndustriALL Global Union**  
در بر گیرنده بیش از ۵۰ میلیون نفر در تشکلهای و اتحادیه های کارگری در بخش معدن، انرژی و تولید در بیش از ۱۴۰ کشور جهان می باشد.

## سرکوب کوشندگان کارگری را متوقف کنید!

به اطلاع سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه « در پی یورش امروز صبح نیروهای امنیتی به منزل علی نجاتی و دستگیری وی و پیمان نجاتی (فرزند ایشان ) و آقای مجید رعایایی ( مهمان وی ) ساعتی پیش، پس از بازجویی از پسر و مهمان علی نجاتی نامبردگان با قید وثیقه آزاد شدند. و علی نجاتی به مکان نامعلومی انتقال یافت.

لازم به ذکر است برخی از وسایل آقای رعایایی توسط دستگاه امنیتی ضبط شده است. با توجه به سابقه بیماری قلبی علی نجاتی و ضرب و جرح وی هنگام دستگیری، لازم است تمهیدات مناسب برای ایشان در نظر گرفته شود» با بازداشت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و اخبار نگران کننده ای که در مورد اسماعیل بخشی منتشر می شود چند روزی نگذشته است که این حمله به آقای علی نجاتی صورت می گیرد. آیا با دستگیری و زندان کردن کوشندگان کارگری می توان نان را به سر سفره کارگران هفت تپه ای و کارگران فولاد آهواز آورد؟ چرا دستگاه قضایی مسببین این اعتراضات را که با وام های میلیاردی و خرید بی ضابطه نیشکر هفت تپه این مجتمع عظیم را با رکود و ورشکستگی روبرو ساخته اند دستگیر نمی کند؟

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران حمایت خود را از خواسته ها و اعتصابات به حق کارگران فولاد و نیشکر هفت تپه مجدداً اعلام کرده و خواستار فوری آزادی آقایان اسماعیل بخشی، علی نجاتی و خانم سپیده قلیان بوده و این یورش به کوشندگان کارگری را محکوم می کند.

تنها راه بحران هفت تپه و فولاد آهواز دست برداشتن از برنامه های ویرانگر خصوصی سازی و مشورت با کوشندگان کارگری این دو واحد تولیدی است.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۸ آذر ۱۳۰۷**

## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



### گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- در آبان ماه سال جاری بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران در قسمت های مهندسی نت مکانیک، کارگاه ماشین سازی و عملیات حرارتی، الگومراسیون بازنشسته شدند آیا جایگزینی برای این بازنشسته ها شرکت در نظر گرفته است؟ یا اینکه باید کارگران باقی مانده کار این افراد را انجام بدهند؟

۲- با توجه به اعتراضات شدید صورت گرفته طی دو سال اخیر در مورد کیفیت بد غذاهای ارایه شده در رستوران های ذوب آهن که در نشریه پیام

سندیکا نیز درج گردیده است. در چند روز اخیر مدیریت تصمیم به استخدام یک سر آشپز معروف گرفت.

۳- در پروژه PCI با توصیه و پیشنهاد کارگران که به استفاده از قطعات بی مصرف موجود و حداقل ضایعات در هنگام کار منجر گردید متأسفانه باز هم شاهد عدم پرداخت پاداش مناسب به این کارگران هستیم که اعتراض کارگران را در اینجا منعکس می‌کنیم.

۴- مدتی است پول جمعه کاری‌ها پرداخت نمی‌شود. آیا بخشنامه‌ای در خصوص رایگان بودن کار در روز جمعه تصویب شده که کارگران خبر ندارند. مدیریت مالی لطفن این موضوع جمعه کاری‌ها را در دستور پرداخت قرار دهد

۵- رختکن مهندسی نورده چه به لحاظ تاسیسات و چه به لحاظ ساختمان مشکلات فراوانی دارد که رفع نشده است. چرا؟؟؟

۶- متأسفانه اموراداری از پذیرفتن مدرک تحصیلی جدید کارکنان خودداری می‌کند.

۷- کارگران و کارکنانی که از بانک صادرات وام می‌گیرند مشکلاتی دارند که باید مدیریت مالی ورود کند و شرط مسدود کردن قسمتی از مبلغ وام را حذف کند.

۸- با توجه به تعمیرات کارگاهی و ضرورت افزایش سقف اضافه کاری برای سرعت بخشیدن به تعمیرات، را از مدیریت خواستاریم.

۹- کارگران و کارکنان پروژه برق از عدم امنیت شغلی برخوردار نبوده و از مدیریت درخواست رفع این مشکل را دارند تا نگرانی حاکم شده بر کارگران کاهش یافته و بهره‌وری نیروهای شرکتی افزایش یابد

۱۰- تعمیرات اساسی آگومراسیون ماشین ۲ توسط کارگران و کارکنان به مدت ۱۰ شبانه روز بدون وقفه انجام گرفت. از جمله ابتکارات کارگران دمونتاز و مونتاژ خرد کن و حجم زیادی از صفحات ضد سایش در راهگاه گرم و سرد بود که در تعمیرات جاری امکان پذیر نبود. کارگران انتظار دارند مدیریت برحسب اجرایی کردن اینگونه طرح ها توسط کارگران با دادن پاداش و مرخصی تشویقی انگیزه کار و ابتکار را در کارگران باقی نگهدارد.

۱۱- کارگران و کارکنان کارگاه ۵۱ که به تازه گی مدرک دیپلم شان از سوی کارگزینی پذیرش شده است متاسفانه هنوز گروه خود را دریافت نکرده اند . معطلی تا کی؟؟

۱۲- اضافه کاری ثبت شده در سیستم کارکنان خط تولید پرداخت نشده است چرا؟؟

۱۳- لباس کار کارکنان زن بیمارستان مطهری اصفهان بسیار بی کیفیت است و خواستار بهبود کیفیت لباسشان هستند

۱۴- چرا مبلغ خارج از مرکز کارگران و کارکنان توسط امور مالی محاسبه و پرداخت نمی شود

۱۵- مدیریت مالی هزینه های تکمیل درمان بیمه ایران را بسیار دیر پرداخت می کند که موجب مشکلاتی برای کارگران و خانواده هایشان شده است. کارگران مشکل مالی دارند با این حقوق ناچیز.

۱۶- نصب دستگاه MRI در بیمارستان شهید مطهری بسیار واجب است.

۱۷- چرا پرداخت شایستگی سال ۹۷ به کارگران و کارکنان با توجه به گرانی های اخیر و از دست دادن قدرت خرید کارگران صورت نمی پذیرد تا کارگران کمتر دچار آسیب شوند. واقعن مدیریت در چه فکری است؟

۱۸- کامیون های داخل شرکت که مواد حمل می کنند متاسفانه بخشی از محموله خود را بدون ایمنی لازم حمل کرده و در سطح شرکت از درزهای کامیون بیرون ریخته می شود که باعث آلودگی هوا و مشکل تنفسی برای کارگران و آلودگی محیط زیست و هدر رفتن منابع را موجب می شود.

۱۹- در شرایط کنونی دستمزد کارگران به همراه نمی رسد و گرانی روز افزون کارگران را وادار به وام گرفتن برای رفع مشکلاتشان کرده است. چرا کسر اقساط بانک ها را مدیریت مالی از حقوق کارگران هماهنگ نمی کند؟

۲۰- مشکلات کارگران با دستمزدهای ناچیز برای خرید مایحتاج روزانه بیشتر می شود. مدیریت شرکت تعاونی مصرف فولاد شهر و زرین شهر اصفهان چرا پنجشنبه ها بعدازظهر و روز جمعه که کارگران تعطیل بوده و می توانند با خانواده به خرید بیایند باز نیستند؟ مدیریت تعاونی می تواند روز شنبه را تعطیل کرده و بعدازظهر پنجشنبه را هم به کارگران تعاونی اضافه کاری بدهد.

۲۱- با توجه به عدم کیفیت غذای ارایه شده در رستوران های شرکت در طی سالها که باعث بیماری معده بسیاری از کارگران شده است، کارگران خواستار افزایش تعداد غذاهای رژیمی ارایه شده در رستوران شرکت هستند.

۲۲- بارها به مسوولین شرکت گفته شده است که چرا سطل زباله در کنار خیابان های اصلی و فرعی شرکت نصب نمی کند تا نظافت از سوی کارگران رعایت شود و چهره شرکت با این زباله ها زشت نباشد.

۲۳- کارگرانی که از درب خروجی راه آهن تردد می کنند خواستار نصب خودپرداز هستند.

۲۴- مشکلات کارگران با دستمزدهای ناچیز برای خرید مایحتاج روزانه بیشتر می شود. مدیریت شرکت تعاونی مصرف فولاد شهر و زرین شهر اصفهان چرا پنجشنبه ها بعدازظهر و روز جمعه که کارگران تعطیل بوده و

می توانند با خانواده به خرید بیایند باز نیستند؟ مدیریت تعاونی می تواند روز شنبه را تعطیل کرده و بعدازظهر پنجشنبه را هم به کارگران تعاونی اضافه کاری بدهد.

۲۵- با توجه به عدم کیفیت غذای ارایه شده در رستوران های شرکت در طی سالها که باعث بیماری معده بسیاری از کارگران شده است، کارگران خواستار افزایش تعداد غذاهای رژیمی ارایه شده در رستوران شرکت هستند.

۲۶- بارها به مسوولین شرکت گفته شده است که چرا سطل زباله در کنار خیابان های اصلی و فرعی شرکت نصب نمی کند تا نظافت از سوی کارگران رعایت شود و چهره شرکت با این زباله ها زشت نباشد.

۲۷- کارگرانی که از درب خروجی راه آهن تردد می کنند خواستار نصب خودپرداز هستند.

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایسیکو

در شرکت ایسیکو از ماه جاری اخراج چندین تن از کارگران و کارکنان زیر ۲ سال سابقه آغاز شده است که در میان این اخراج شدگان ۲ نفر خانم از کارکنان دفتری دیده می شود. کم کردن کارکنان و سپردن کار این افراد به شاغلان از ترفندهای همیشگی کارفرمایان برای سود بیشتر است.

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه

شرکت البرز توربین که در فاز های ۲۲ و ۲۴ به پیمانکاری موسوی مشغول به کار می باشد، بیش از ۳ ماه است حقوق ۲۰ کارگرش را پرداخت نکرده و آنان سه روز دست به اعتصاب زدند. درحین اعتصاب پیمانکار بدحساب برای شکستن اعتصاب کارگران اقدام به آگهی برای جذب نیرو کرد که کارگران بیکار با دانستن اینکه کارگران این پیمانکاریه دلیل نگرفتن حقوقشان دست به اعتصاب زده اند، ازاستخدام شدن دراین پروژه خوداری کردند. امروز ۲۶ آذر پیمانکار با قول پرداخت حقوق کارگران تا آخر ماه آذر، کارگران این پروژه موقتاً اعتصاب را شکسته به سر کارشان برگشتند.

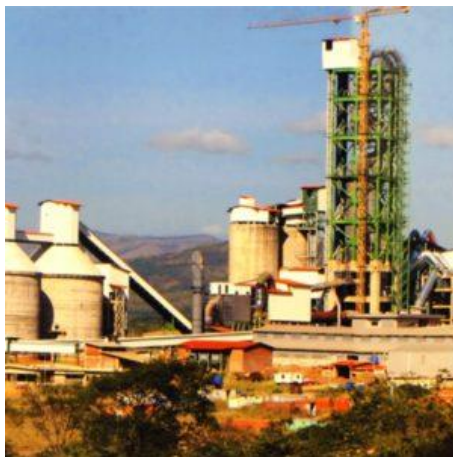
## گزارش به پیام سندیکا از پروژه شهید خرازی

در اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ قرار دادی با شرکت آماج طراحان دژ به نمایندگی و مدیر عاملی آقای جمال قرایی منعقد کردیم تا دریکی از بلوک های پروژه مشغول به کار شویم ابزار و وسایل کار خود را به پروژه انتقال دادیم و مستقر شدیم. چند روزی کار میکردیم که مدیرعامل شرکت با کارفرما سر مسایل کاری به اختلاف خوردند تقریباً اکثر کارگاه تعطیل بود و بعد از گذشت حدود دوماه این اختلاف منجر به خلع یدی کلی شرکت آماج طراحان دژ شد. در این دو ماه ما به اندازه یک ماه نیز نتوانستیم کار کنیم و مقدار دریافتی ما بجز خورد و خوراک نبود. امروز بعد از گذشت حدودن شش ماه دوندگی برای دریافت دستمزدمان چیزی بجز وعده عایدمان نشده و کارفرما ابزار آلات ما را در کارگاه نگه داشته و تحویلمان نمیدهد تا جای دیگر مشغول شویم تا امرار معاش کنیم . مدیرعامل شرکت آماج طراحان دژ به کلی غیب شده و حتا جواب تماس تلفنی را نمیدهد. با کارفرما پروژه مطرح کردیم فرمودند زمان براست منتظر باشید مدیر عامل شرکت باید بیاید. اکنون شش ماه هست ما را بیکار کرده اند و تمامی ابزارمان را توقیف کرده اند به چه جرمی؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

امیرکارگر فلزکار



## نامه ارسالی به پیام سندیکا از سوی کارگران کارخانه سیمان کارون



”هیئات منا الذلة؛“ \* ”هیئات منا الذلة؛“ \* ”هیئات منا الذلة؛“ \*

متأسفانه علیرغم مشکلات فراوان کارخانه سیمان کارون و طلب چندین ماه حقوق و مطالبات کارگری، مدیریت کارخانه در اقدامی تحریک آمیز حکم اخراج یکی از فعالین کارگری را زده است که قطع سرآغاز اعتراضات کارگری می باشد. کارگرانی که مطالبات حقوقی چهار ماهه خود و معوقات دیگر سکوت کرده بودند و بکار خود مشغول بودند با این حرکت کارفرما ساکت نخواهند نشست و جلوی اخراج ناعادلانه همکار خود را خواهند گرفت. اما سوالی که پیش می آید این است که آیا کسانی که آسایش و آرامش خانواده های کارگران را بهم می زنند و امنیت منطقه را به خطر می اندازند نباید دستگیر شوند!؟؟؟ این برهم زندگان امنیت کارگران چرا پاسخ گوی هیچ نهادی نیستند!؟؟؟

کارگران کارخانه منتظر ورود دستگاه قضایی بوده تا با برهم زندگان امنیت کارگران برخورد نمایند... پر واضح است کسانی که مدیریت را به تن کرده اند که برایشان بسیار گشاد بوده و با به آشوب کشیدن کارخانه و تحریک

کارگران برای اعتراضات کارگری سعی در پنهان کردن سواد و تجربیات مدیریتی خود دارند...

انتظاری که می رود این است که حداقل نفرات بومی هوشیار و مواظب باشند و ناخودآگاه در آتشی که این مدیران نو رسیده و ژن خوب روشن کردند ندمند... در هر حال علیرغم اطلاع رسانی و تشکیل شورای تامین... مدیران کارخانه سعی در انتقام گیری های شخصی دارند.

بهرحال ما کارگران کارخانه سیمان کارون جلوی این حرکت ظالمانه خواهیم ایستاد و تن به ظلم نخواهیم داد و فریاد هیئات منا الذلة؛ سر خواهیم داد.

## گزارش پیام سندیکا از پتروشیمی آریا

شرکت شاخص چندماهی است که به جای شرکت سنا اندیشه ، تعمیر و نگهداری پتروشیمی آریاساسول را عهده دار گردیده است. متأسفانه این شرکت شرایط کاری بسیار بدی را برای کارگران اورحال پیش آورده است از قبیل خوابگاه با امکانات و کیفیت صفر و کم کردن حقوقها و کم کردن ازساعت کار کارگران . همچنین در یک اقدام غیر کارگری و غیر اخلاقی به کاهش و کم کردن بیمه ومالیات از کارگران اورحالی و دیر پرداخت کردن حقوق کارگران ساعتی بعد از ۸۰ روز دست زده است.

از گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها درخواست رسیدگی به این امر را داریم

جواد نهرین

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت لاستیک پارس

صبح امروز ۵ آذر ماه کارگران شرکت لاستیک پارس واقع در شهر صنعتی ساوه در محوطه داخلی کارخانه دست از کار کشیده اند. خبر رسیده به کارگران این بود که کارخانه به بخش خصوصی واگذار می شود و خریدار هم یک خانم است و امروز کارخانه را تحویل می گیرد. کارگران لاستیک پارس با دست کشیدن از کار اعتراض خود را به این واگذاری اعلام کردند. کارگران می گویند تاکنون واگذاری ها نتایج مطلوب نداشته و از آینده نامشخص خود بیم دارند. آنها می ترسند که با تحویل کارخانه به صورت غیرکارشناسی کارفرمای جدید بعد از مسلط شدن بر کارخانه دست به اخراج کارگران در این شرایط سخت زندگی کنونی بزند. کارگران خواهان اداره کارخانه توسط دولت هستند.

از طرف دیگر گروهی از کارگران بازنشسته لاستیک پارس که هنوز بعداز بازنشستگی حق و حقوق خود را بصورت کامل نگرفته اند از ترس اینکه صاحب جدید مطالبات آنان را ندهد صبح امروز برای دریافت مطالبات خود جلوی درب کارخانه تجمع نمودند و خواهان مطالبات معوقه شده اند.

بنظر میرسد که این بار خصولتی سازی گریبان کارگران لاستیک پارس را گرفته و ما باید شاهد اعتصاب و اعتراض بیشتر کارگران این کارخانه باشیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن حمایت از خواسته های بحق بازنشستگان لاستیک پارس هشدار می دهد که تصمیمات نادرست و سپردن کارخانه به صورت غیرکارشناسی به کسانی که با تولید آشنایی ندارند موجب نارضایتی کارگران و تعطیلی کارخانه در حین تولید می شود و بی تردید این اعتراضات را پیگیری کرده و تا نتیجه مطلوب دست در دست کارگران این واحد تولیدی در کنارشان خواهیم بود.

## اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کاتال تلگرامی سندیکای واحد



### ۱- نبود لاستیک در شرکت واحد جان مسافران را با مخاطرات جدی مواجه کرده است

همچنان که در تصاویر لاستیک اتوبوس ها در خط یک بی آر تی را مشاهده می کنید. فرسودگی شدید و پارگی لاستیک اتوبوس ها که موجب ترکیدگی لاستیک اتوبوس می شود احتمال وقوع حادثه جانی برای مسافران و راننده را بسیار افزایش داده است. و لاستیک اتوبوس سایر خطوط نیز همین وضعیت را دارد. مدیریت ناکارآمد شرکت واحد اتوبوسرانی تهران قادر به تامین حداقل امنیت محیط کار برای رانندگان همچنین حداقل امنیت برای مسافران در سفرهای شان با اتوبوس نیست.

۲-رفت آمدهای مشکوک برای فروش زمین توقفگاه سامانه جانبازان / بنابر مصوبه ستاد ساماندهی مسکن شهرداری در این زمین باید برای کارگران خانه سازی می شد



بنابر اخبار و تصویر ارسال شده به سندیکا چندی است که نمایندگانی از دانشگاه شریف برای بررسی و توافق خرید زمین توقفگاه سامانه جانبازان در این سامانه مکررا حضور یافته اند. پس از اعتراضات رانندگان و کارگرانیکه از هیچ گونه تسهیلات مسکن در شرکت واحد استفاده نکرده اند و تجمعات مکرر در مقابل شورای شهر و شهرداری تهران ستاد ساماندهی مسکن شهرداری تهران، مطابق بند چهار صورتجلسه شصت و نهمین نشست خود، مصوب کرد الویت واگذاری زمین های مازاد شرکت واحد به کارگران برای خانه سازی است. اما با پدیده "املاک نجومی در شهرداری تهران" این مصوبه به مرحله اجراء نرسید. حالا مدیر عامل شرکت واحد قصد دارد زمین توقفگاه سامانه جانبازان را که یکی از زمین های مورد نظر برای واگذاری به رانندگان و کارگران شرکت واحد برای خانه سازی بود را به دانشگاه شریف بفروشد و مانند پول فروش زمین های شرکت واحد در خیابان هنگام که هنوز مشخص نشده پول آن کجا رفته است، پول این زمین کارگران را هم به همان سرنوشت دچار کند



## وضعیت شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه



به گزارش خبرنگار اجتماعی خبرگزاری برنا، مساله حمل و نقل عمومی یکی از مباحث پر چالش در کشور و به ویژه در کلانشهر تهران است، موضوع اتوبوس های فرسوده و کمبود اتوبوس نسبت به تعداد جمعیت در پایتخت از مسائلی است که همیشه مطرح بوده است اما به نظر می رسد تحریم ها بر این موضوع تاثیری مضاعف گذاشته است، در خصوص تاثیر تحریم ها بر حمل و نقل عمومی و راهکار برون رفت از مشکلات موجود در این حوزه با یکی از فعالان سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی گفتگو کردیم...

داوود رضوی در گفتگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری برنا، در این باره، با بیان اینکه همواره سیستم حمل و نقل عمومی و گردانندگان آن به عنوان راننده یا مالک، در بخش دولتی و غیردولتی با مشکلاتی مواجه بودند، گفت: اما از چند ماه پیش که موضوع تحریم ها و افزایش نرخ ارز پیش آمد قیمت لوازم نقلیه چند برابر شد و مشکلاتی زیادی برای رانندگان و حوزه حمل و نقل عمومی ایجاد شد. به عنوان مثال مبالغ مربوط به کارت بلیت اتوبوس ها هر ۵ یا ۶ ماه یک بار توسط اتوبوسرانی به رانندگان پرداخت می شد که این روش مورد اعتراض رانندگان بود زیرا هزینه های آنها روزانه بود و قطعات مورد نیاز مانند لاستیک، لنت ترمز و ... به صورت روزانه برای رانندگان هزینه می تراشید.

این فعال سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی با اشاره به اینکه مشکلات حوزه حمل و نقل از زمان تحریم ها ۱۰۰ درصد شد، خاطرنشان کرد: در این مدت مایحتاج ضروری مردم نیز چند برابر شد، چنانکه امروز شاهد هستیم نزدیک به یک میلیون نفر برای اسنپ و تپسی ثبت نام کرده و کار می کنند و بسیاری از افراد نیز با ماشین شخصی مسافرکشی

می کنند، یعنی رانندگان تاکسی و بخش خصوصی حمل و نقل عمومی که وظیفه دولت است را انجام می دهند و هزینه های بخش عمومی حمل و نقل را می پردازند، در حالی که از آنها حمایت نمی شود و امکانات ضروری به آنها داده نمی شود. با وجود کاهش نرخ ارز طی چند روز اخیر که به کمتر از ۱۰ هزار تومان رسید، اما قیمت اجناس و قطعات خودرو کاهش نیافته است که این موضوع نظارت و کنترل بیشتر دولت را می طلبد که شرایط برای فعالان بخش حمل و نقل عمومی بهتر شود.

رضوی با بیان اینکه قطعات خودرو گرداننده تمام سیستم آن است، تصریح کرد: از یک سو قیمت لوازم یدکی افزایش یافته است، از سوی دیگر قیمت کرایه خودروها تغییری نکرده است، این موضوع باعث شده که راننده نتواند دخل و خرج خود را جور کند، من راننده اتوبوس هایی می شناسم که روزی ۱۲ ساعت کار می کنند اما نمی توانند هزینه های جاری اتوبوس خود را کسب کنند که این بزرگترین مشکل فعالان حمل و نقل عمومی است، بسیاری از رانندگان اتوبوس هایشان متوقف شده چون نتوانسته اند اقساط خود را بپردازند یا قطعات آن را فراهم کنند، مثلاً اگر یک اتوبوس گازسوز خراب شود برای برخی قطعات آن باید ۱۵ میلیون تومان بپردازند که از توان آنها خارج است.

وی با اشاره به خوابیده بودن تعدادی از اتوبوس های شرکت واحد در پارکینگ این سازمان به دلیل نبود لوازم یدکی و قطعات، عنوان کرد: بسیاری از این اتوبوس ها به دلیل مسائل بسیار جزیی متوقف شده اند، که این موضوع نشان می دهد در شرایط کنونی دولت نیز از پس هزینه های وسایل حمل و نقل عمومی بر نمی آید، از سوی دیگر بخش خصوصی یک اتوبوس را به قیمت ارزان تر به راننده می فروشد اما در خصوص هزینه های جانبی از وی حمایت نمی کنند و خود راننده باید این هزینه ها را متقبل شود، در نتیجه راننده برای اینکه بتواند درآمد خود را بالا ببرد با قطعات فرسوده ادامه کار می دهد و در سطح شهر فعالیت اتوبوس های بخش خصوصی که بسیار فرسوده هستند، را می بینیم، آنهم در شهر تهران که آلودگی بیداد می کند. در این راستا دولت باید لاستیک، روغن، تسمه و قطعات یدکی را با قیمت مناسب و دولتی در اختیار رانندگان اتوبوس ها قرار دهد، همچنین با ارایه وام هایی با سود پایین به رانندگان به بازسازی اتوبوس ها یا تبدیل به احسن کردن ناوگان حمل و نقل عمومی کند. این حمایت دولت به معنای تضمین سلامت شهروندان در برابر آلودگی هوا و خطرات ناشی از ناوگان حمل و نقل عمومی فرسوده است.



## گزارشی از هیجدهمین سالگرد تأسیس کانون صنفی معلمان تهران



به مناسبت هیجدهمین سال تأسیس کانون صنفی معلمان تهران گردهمایی در تهران و در تاریخ ۱۵ آذر ۹۷ برگزار شد که عده ای از کوشندگان صنفی معلمان از استانهای دیگر و شهرهای استان تهران نیز عده ای حضوریافته بودند. به این گردهمایی سندیکای فلزکارمکانیک هم دعوت شده بود که من به نمایندگی از سندیکا شرکت نمودم.

در آغاز برنامه آقای فلاحی دبیرکانون ضمن خوشامدگویی و تشکر از حاضرین اظهار امیدواری کرد که فعالیتهای صنفی گسترش بیشتری داشته باشد. سپس خانم قدیری پیام سه معلم دربند آقایان محمودبهشتی، اسماعیل عبدی و محمد حبیبی را قرائت کرد. در این پیام ضمن اشاره به شرایط جامعه و مشکلات پیش روی معلمان خواهان حرکت رو به جلو و حفظ استقلال کانون در شرایطی که مورد هجوم جناحهای مختلف حکومتی از جمله محافظه کاران و اصلاح طلبان هستند و در پایان خواهان حمایت بیشتر معلمان از کانون شده بودند. در بخش دیگری از این گردهمایی آقای باغانی از پیشکسوتان کانون صنفی معلمان و دبیر سابق کانون با اشاره به شخصیت معلمان دربند و نقش برجسته آنها در مبارزات صنفی معلمان و اینکه گاهی یک نفر به تنهایی می تواند نقش بزرگی در یک فعالیت اجتماعی داشته باشد، اظهار داشت برای کانون زبان، قومیت و جنسیت معنی ندارد. آقای باغانی یادآور شد کانون در

طول ۱۸ سال فعالیت ۱۰۰۰ جلسه صنفی داشته است و در ۵۰ شهر و ۱۸ استان شعبه دارد. ضمن اینکه شعبات در تصمیمات خود مستقل عمل می کنند. سخنران بعدی آقای علی اصغرذاتی از کوشندگان پرسابقه صنفی معلمان بود که ضمن تشکر از تشکلهای و خبرنگاران مهمان و اعلام اینکه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و اتوبوسرانی و کانون نویسندگان ایران پیام تبریک فرستاده اند، اظهار داشت که حاکمیت با توجه به سختگیریها، پاکسازیهای انتخاباتی گزینشی به خیال خودشان موفق شده اند طبق برنامه همه معلمان را در خدمت خود بگیرند که فعالیتهای صنفی مستقل معلمان برخلاف آن تصورات است. ولی به هر صورت نگذاشتند به شکلی صحیح به ارتقا سطح آموزشی کمک نماییم. آقای ذاتی به شکلی هم از بعضی ها که به جای کانون در فکرمطرح کردن خودشان هستند، گلگی داشت. پیام آقای محمد حبیبی معلم دربند نیز توسط خانم ایشان قرائت گردید که در رابطه با آمدن و رفتن افراد و نسلها و ماندگاری کانونها و تشکلهای بیان مطرح گردیده بود. سخنران آخر آقای رسول بدایق بود که اعلام نمود گفتمان آینده بشریت در دست علم و خدا و فلسفه نیست و آوردن فاکتورهایی از خیانت علم که بیشتر در خدمت خدایان بوده است تا توده مردم و حکم های ناحق به نام خدا و نظریه های ضد انسانی بعضی فیلسوفان که وجود داشته است. آقای بدایق اعتقاد داشت گفتمان آینده بشریت آسایش و آرامش است.

در بین سخنرانی ها شعرخوانی و پخش کلیپ و پذیرایی نیز وجود داشت. در پایان دسته گلهایی به خانواده های زندانیان صنفی و معلمان زندانی شده حاضر در جلسه اهدا گردید. درحاشیه این گردهمایی با عده ای از فعالین معلم تبادل نظرهایی داشتم و ضمن اعلام پیام شادباش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به آنها در رابطه با ضرورت اتحاد و هماهنگی بین لایه های مختلف و فعال جامعه خصوصن کارگران و معلمان، نظرات سندیکای فلزکار مکانیک را به آنها ارایه نمودم که مورد استقبال قرار گرفت.

**یارمحمد اکبری عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

## مشکلات پیش روی کارخانه هفت تپه از نگاه رضا رخشان

بیش از سه هزار کارگر فصلی نی بری، تنها امیدشان اینست که با شروع بهره برداری از مزارع هفت تپه که امسال بیش از چهل روز تاخیر داشته ایم به کار مشغول بشوند و نانی برای زن و بچه اشان دربیاروند. سه هزار خانوار. بنظر شما چه کسانی از این اتفاق، یعنی عدم شروع بهره برداری شکر و عدم مشغول بکار این عده بسیار زیاد، سود می برند؟

در مورد شروع بکار در هفت تپه، بسیاری اند کسانی که چیزی نمی دانند برای انجام این کار که بسیار هم دیر شده است لازمست که تمامی هفت تپه مشغول بکار گردد. ضمن اینکه بیش از سه هزار کارگر دیگر هم برای امرار معاش، منتظر شروع به کار هستند که کارشان فصلیست و ربطی به دیگر کارگران ندارد. ایکاش هر کدام از دوستان بجای این حمایتها و درج اخبار هفت تپه، یکساعت در مورد اینکه، هفت تپه کجاست؟ تعداد و نوع کار در آنجا تحقیق می کردند. این پیام یکی از کارگران هفت تپه است، لطفن دقت کنید که مشکلات چیستند:

«سلام آقا رضا اینجا منازل شصت دستگاهه تورو خدا ببین چه بلایی سر ما اومده آخه من نمی‌دونم کارگران خدمات برای چی ول کردن و به اسم اعتصاب دارن خوش می‌گذرونن خواهش میکنم کارگران خدمات بیان کارشون رو انجام بدن که این کار از اعتصاب هم مهمتره.»

این وضعیت فعلی نظافت و بهداشت خیابانهای هفت تپه است.



یک چیز دیگر، کارخانجاتی نظیر کاغذسازی پارس و حریر پارس با بیش از هزار کارگر، از صنایع جانبی هفت تپه هستند و در صورت عدم شروع بکار هفت تپه و یا تعطیلی هفت تپه از بین میروند. اینها بخشی از پیچیدگی کار در هفت تپه است. در هفت تپه ما با موجود زنده ای بنام نیشکر مواجه ایم که زمانهای مشخصی برای کاشت و داشت و برداشت وجود دارد که گذشت زمان محصول را خراب میکند که متأسفانه آنچنان تبعات ویرانگری دارد که فکر کردن به آن سخت است. نکته دیگر، با پرداخت دو حقوق، اعتبار اعتصاب در نزد خود کارگران هم زیر سؤال رفته است.

اکنون در یک بن بست قرار گرفته ایم الان زمینه برای سرکوب خشن افزایش یافته است که امیدوارم به آن مرحله نرسیم چون ابزار سرکوب همیشه در خدمت سرمایه است و طبق تجارب قبلی خیلی ها ممکنست که در این میان زندانی و اخراج بشوند و کارفرما در شرکت، حکومت پلیسی ایجاد کند. الان میشود که چندین مطالبه کارگری را از او گرفت. اما تجربه ۸۷ میگوید که دخالت ابزار سرکوب، کارگران را در موقعیت دفاعی قرار میدهد و آنوقت کارفرما به معیشت کارگر با بهانه های مختلف حمله میکند. من با اعتصاب کوتاه مدت موافقم. اما با تناوب. الان با توجه به بحران خشکسالی، پایین بودن

قیمت شکر، و مافیای شکر، دولت و خیلی های دیگر از بسته شدن هفت تپه خوشحال خواهند شد. تازه برفع کارفرما هم هست. فقط ۲۴ هزار هکتار زمین هفت تپه را اجاره بدهد سالانه دویست سیصد میلیارد سود خالص بی زحمت گیرش خواهد آمد. متأسفانه بازنشستگی‌های زیان آور و رفتن کارگران قدیمی، این رفقای جدید که اکثریت را دارند و کل سابقه کاریشان دو سال هم نمیشود این ضرورتها و ملزومات و دشواریها در هفت تپه را درک نمی کنند. لازمست که آموزش کارگری داشته باشیم.

در هفت تپه طیف های گوناگونی حضور دارند. اتفاقاً این هنر فعال کارگریست که بتواند همه کارگران با طیف های مختلف را حول مسائل معیشتی متحد سازد. در مورد هفت تپه بیشتر از نود درصد کارگران، آدمهای معمولی و کم سواد اند خانواده شهید هستند. خود اسماعیل بخشی، عمویش و دایی اش شهید هستند.

در مورد هفت تپه و مشکلاتش باید کارگران قدیمی و کوشندگان کارگری هفت تپه نظر بدهند تا بتوان با درایت آن را حل کرد.

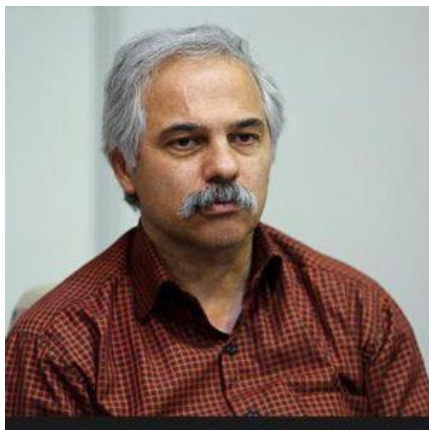
**رضا رخشان عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه**

آذر ۱۳۹۷

□ آیا تعطیلات هفتگی و تعطیلات رسمی به عنوان سابقه اشتغال در کارهای سخت و زیان آور محسوب می شود ؟

پاسخ ✍ به موجب جزء «الف» و «ب» بند ۱ ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی قانون بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور، تعطیلات هفتگی و تعطیلات رسمی به عنوان سابقه اشتغال در کارهای سخت و زیان آور محسوب می گردد.

## شباهت های اعتصاب در ایران و فرانسه



پس از به میدان آمدن جلیقه زردها در فرانسه بسیاری این پرسش را مطرح کردند که، در کشوری چون فرانسه که در آن احزاب و سندیکا‌های کارگری فعالیتی آزادانه دارند و می توانند خواسته های خود را در چارچوب آزادی های لیبرالی مطرح کرده و این خواسته ها را از سوی نمایندگان سندیکایی و حزب طبقه کارگر در مجلس پیگیری کنند چرا اینگونه به میدان آمده اند؟ مگر نمی شود از طریق صندوق های آرا این موارد را پیگیری و به خواسته های خود رسید؟

در فرانسه احزاب طبقه کارگر و سندیکا‌های کارگری مبارز مجبورند در میدان بازی که نئولیبرالیسم تعریف کرده است فعالیت کنند. نئولیبرالیسم و ابزار قدرتمندش رسانه ها می توانند با بمباران اطلاعاتی و دادن آدرس غلط به مردم فرانسه و آمریکا و حتا همه مردم دنیا، کسانی را چون مکرون و ترامپ و پوتین را به مردم قالب کنند. اما این رسانه ها قادر نیستند به مردم نان بدهند و مشکلاتشان را حل کنند.

آنچه در فرانسه و هفت تپه و فولاد اهواز مشاهده می‌کنیم شکست نئولیبرالیسم است و دیگر اینکه ابزارهای نئولیبرالیستی در فرانسه ناکارآمدیشان را نشان داده‌اند و مردم به جای تکیه بر موازین لیبرالی همگام با سندیکا‌های کارگری و احزاب مجبورند به خیابان آمده و نان را فریاد بزنند.

در اهواز و شوش نیز ما این ناکارآمدی را حتا با عدم داشتن سندیکا‌هایی که بتوانند آزادانه فعالیت بکنند می‌بینیم و به همین دلیل است که کارگران هفت تپه و فولاد اهواز به خیابان آمده‌اند.

در فرانسه با آگاهی‌هایی که احزاب کارگری به همراه سندیکاها توسط روزنامه‌هایشان و رسانه‌هایی که در اختیار دارند، می‌توانند مردم فرانسه را به خوبی از خصوصی‌سازی و عملکرد مخربش آگاه کنند، در ایران کارگران هپکو و فولاد اهواز و ماشین‌سازی تبریز و هفت تپه به وضوح می‌بینند که چگونه خصوصی‌سازی نان را از سفره‌شان ربوده است.

چه در فرانسه و چه در ایران خصوصی‌سازی و برنامه‌های نئولیبرالیستی اش شکست خورده‌اند. می‌توان در فرانسه به روی مردم آب داغ پاشید و آنان را متفرق کرد. می‌توان در ایران ۴۰ کارگر فولاد را و علی‌نجاتی را شبانه دستگیر و به زندان برد. می‌توان روح اسماعیل بخشی را آن چنان آزد که نتواند از خانه بیرون بیاید. می‌توان دختران عاشق طبقه کارگر را زندانی کرد، اما با همه اینها نمی‌توان معضل نان کارگران را حل کرد.

نان آن چیزی است که سیاست‌های نئولیبرالی در فرانسه و در ایران و در همه جهان آن را از سفره مردم دزدیده است و برای حل این مشکل فقط باید این سیاست‌ها را به کناری نهاد.

**مازیار گیلانی نژاد**

۲۷ آذر ۱۳۹۷

تقدیم به کارگران زندانی فولاد و هفت تپه و پرستوی عاشق عسل محمدی



## شب یلدا

شب یلدا ، چه پر غوغا گذشت اما

چراغ خانه من کور سو می زد

سفره ما خالی خالی

چو هر شب ها.

پدر درمانده و در تب



سرافکنده به زیر،

از شرم

از همسر و فرزند

آرزوی مرگ خود را از خدا می کرد.

چه گوید؟!!

با که گوید!

که هفت ماه است

کارفرمایش

نداده اجرت کارش

و دولت

برای رفع این محنت

به زندان برده

همراهان و همکارش

**پیشکسوت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

**محمد حسین خوان یغما      یلدای ۹۷**

توکولون! ،

توکولون کوچه لر

توکولون داملاردان دیوارلاردان،

قورتارین کوچه لری،

بوظولمت لردن،

خیابانلار تک قالیب،

قوی تک قالسین هله،

بلکه کوچه لر توکولوب،

خیوانلارا گله،

ظولمتلر ایچینده،

قیشقیریر کوچه لر،

قورتارین کوچه لری

قوی بوش قالسین خیوانلار،

قورتولاق،

قورتولوش نامینه،

کارگر سندیکالیست حسین امیدی اورمان

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از همبستگی با کارگران هفت تپه



### اعلام همبستگی دانشجویان دانشگاه زنجان با کارگران هفت تپه

روز چهارشنبه ۷ آذر ۹۷ دانشجویان دانشگاه زنجان درحالی که پلاکاردهایی در دست داشتند حمایت و همبستگی خودشان را با کارگران و زحمتکشان هفت تپه اعلام کردند. دانشجویان روی پلاکاردهایشان نوشته بودند:

نان کار آزادی، کارگر زندانی آزاد باید گردد، دانشجو کارگر معلم اتحاد  
ما دانشجویان با کارگران هفت تپه و اهواز اعلام همبستگی می کنیم

### فرزند کارگرانیم کنارشان می مانیم

با اوج گیری اعتراضات وسیع کارگران هفت تپه، شاهد همراهی و حمایت همه جانبه مردم و بخصوص دانشجویان دانشگاههای کشور، از این اعتراضات کارگران هستیم. اعتراضات تمانن علیه خصوصی سازی، و معضلات بوجود آمده از اجرای این برنامه ضد کارگری و خانه خراب کن است. که منجر به اعتراضات گسترده ای شده، و باعث تشدید همبستگی طبقاتی در سطح جامعه شده است

## چشمانمان را باز کنیم!

گاهی باخودم چپ می شوم، خیلی بد، آنچنان که گوش خودم را می پیچانم، و این کلمه را بارها برای خودم تکرار میکنم، بیشعور توهنوز خیلی از این دنیا پرسش داری، مگر چندتایش را جواب گرفته ای؟

راستی یادم رفت بگویم، که بیشعوری دشنام نیست! بیشعوری مقاومت در مقابل هر تغییر درست است! من تاکنون در دنیای اطرافم خیلی بیشعور دیده ام، که وقتی به آنها میگوئی:

تمام عقل دنیا را یکجابه توداده اند، هیچ مقاومتی نمیکنند، ولی آنروز نیاید که بهشان بگوئی، بیشعور! دنیایشان به هم میریزد .

برای همین است که من به خودم میگویم: تاکنون در زندگی خیلی بیشعور بوده ام! من ستم های زیادی را در کنارم دیده ام و آسان از کنارشان بی تفاوت رد شده ام! بارها معلم زندانی، کودکان کار، کارگران با سفره ی بی نان، قاضی رشوه گیر، وعده های دروغ، شعارهای بیشعور! مدرسه ی سوخته، جاده های مرگبار، دخترک گل فروش خیابان انقلاب، نوازنده ی پارک محله مان، و هزاران چیز دیگر را دیده ام،،، ولی بیشعوری ام، مرا به تفاوتی کشاند!

وقتی که دختر رحمان از یک تب دوساعته میمیرد، من خیلی بی شعورم که جشن تولد سه سالگی دخترم را ده بارتبریک میگویم،

وقتی یلدای ستم آمد و نرفت، من چقدر بیشعورم که هندوانه ام را تنهایی میخورم،،،

آرین سندیکالیست

## تا حالا از این زاویه به ماجرای نماینده سراوان نگاه کرده بودید؟

❖ فیلم نماینده سراوان را بارها برایم فرستادند. محمد باسط درازهی، نماینده سراوان، یکی از شهرهای سیستان و بلوچستان، از یک کارمند [احتمالا گمرک] توقعی دارد. کارمند به درازهی میگوید ما از شما دستور نمیگیریم. و درازهی، نماینده سراوان به این کارمند هتاک می‌کند. در این هنگام یکی دیگر از ارباب رجوع‌های بانک وقتی میفهمد فرد هتاک نماینده مجلس است او را بدون حتی لحظه‌ای مکث و تردید به شکلی تحقیر آمیز بیرون می‌کند.

❖ این فیلم را بارها برایم فرستاده‌اند که یعنی تحویل بگیر این انقلابی که از آن دفاع میکنی را و من میگویم این فیلم دقیقن همان چیزی است که می‌شود در چهل سالگی انقلاب دست گرفت و به آن افتخار کرد.

❖ من میگویم این صحنه، صحنه عجیب باشکوهی است. صحنه‌ای که یک کارمند عادی مقابل نماینده مجلس می‌ایستد و به او «نه» میگوید و یک شهروند عادی و معمولی یقه نماینده را میگیرد و به خاطر هتاک با اردنگ بیرونش می‌اندازد.

❖ این صحنه و این جسارت این شهروندان معمولی و عادی محصول مستقیم تبدیل انسان ایرانی از «رعیت قدرت» است به «شهروند صاحب حق» که ظلم و توهین را نمی‌پذیرد و سر خود را مقابل قدرتمندان کج نمی‌کنند.

❖ چهل سال پیش چه کسی چنین صحنه‌ای را حتی به خواب میدید؟ چهل سال پیش و در خفت بارترین دوره چند هزار ساله تاریخ ایران، یعنی دوره پهلوی، چه کسی جرات داشت حتی چنین برخوردی با یک نماینده مجلس فرمایشی «اعلیحضرت محصول کودتا» را تخیل کند؟

❖ امروز، در حالی که باید برای اصلاح وضعیت بجنگیم، نباید تصویر کلی تر و چارچوب بزرگتر را فراموش کنیم. این مسیر بلند تاریخی را! وگرنه مشکلات در هر جامعه‌ای فراوان است. قدرت هم همیشه سعی در باز تولید خود دارد. اما انقلاب بهمن انسان ایرانی را چنان از بیخ و بن عوض کرد که آزادی و آزادگی و قدرت-ستیزی، بخشی از دی.ان.ای و ژن این انسان شد.

❖ بار دیگر که رسانه استعماری بی‌بی‌سی و یا رسانه من و تو که هنوز عزادار دیکتاتوری پهلوی است و یا رسانه‌های آدمکشان وهابی سعودی مثل ایران اینترنشنال فیلم‌های این چنینی، یا اعتصاب‌های کارگران و تجمعات اعتراضی را خارج از چارچوب نشان می‌دهند، هم زمان که در کنار معترضان می‌ایستید و از مظلومان دفاع می‌کنید، این تصویر کلی و بزرگتر را هم به یاد بیاورید: اینکه این توان اعتراض و بلند سخن گفتن و حق خواهی بدون لکنت، خودش محصول مستقیم انقلاب بهمن است. محصول مسیری چهل ساله که باید با گردنی افراشته ایستاد و به آن افتخار کرد.

نوشته علی عزیزاده

□ آیا تعطیلات هفتگی و تعطیلات رسمی به عنوان سابقه اشتغال در کارهای سخت و زیان آور محسوب می شود ؟

پاسخ ✍️ به موجب جزء «الف» و «ب» بند ۱ ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی قانون بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور، تعطیلات هفتگی و تعطیلات رسمی به عنوان سابقه اشتغال در کارهای سخت و زیان آور محسوب می گردد.

## درد دل های کارگران

امروز، هنگام صرف نهار در کارخانه به دقت به حرف هایی که بین همکاران رد و بدل می شد گوش می کردم:

مسعود: موندم این شب یلدایی واس بچه ها چطور یه خورده خرت و پرت بخرم. می گن انار شده کیلویی یازده تومن.

کمال: امسال اولین یلدای من با خانمم هست. آبروم رفت پیش اش. باید هدیه براش می خریدم منتها با این اوضاع گرونی و حقوق های کم چطوری آخه؟ عسلویه که پول نمی دادن گفتم حداقل بیام این جا کار کنم بلکه هم نزدیک باشم، هم اوضاع مرتب بشه. اصلا اشتباه کردم زن گرفتم. کارگر که نباید ازدواج کنه..

محمود: من می خوام پنج شنبه و جمعه تا آخر وقت بمونم کارخونه. خدا شاهده از روی بچه هام خجالت می کشم. اصن این مراسم ها همش برای ما کارگرا دردسره. صبح امیر علی می گه بابا شب یلدا شد برام کله پاچه بگیر. می گم بابا جان شب که کله پاچه نمی خورن حالا برو بخاب یه روز برات می خرم عزیزم.

همین طور همکارا دارن از گرونی اجناس و شرمنده شدن پیش خانواده هاشون کله می کنن. الان دارم فکر می کنم که حالم از هر چی یلداس بهم می خوره یه عمر زحمت کشیدیم این هم از آخر و عاقبت اش.

لعنت به این زندگی کوفتی، لعنت به اونا که باعث شدن ما کارگرا وضع مون این شکلی بشه.

شهرک صنعتی همدان      کارگر فلز کار

## ترفند های فریبنده سرمایه داری در نبرد طبقاتی

به نقل از سایت کانون متحد کارگر



امروز در مبارزات طبقاتی کارگران ایران شاهد روندی هستیم که در عمل با واقعیت مبارزات جنبش کارگری فاصله بعیدی دارد و بیشتر فرم و شکلی از ایدیولوژی دشمن طبقاتی کارگران را به خود گرفته است. در هر برهه از فراز و نشیب نبرد طبقاتی شاهد اوج گرفتن تبلیغات در اطراف یکی از رهبران کارگری می شویم. تبلیغاتی که به گونه ای سازماندهی می گردد که با کمی دقت می توان چهره پلید سرمایه را در آن روند مشاهده کرد. واقعیت مبارزات جنبش کارگری در ایران و جهان مبارزه ای جمعی است، نه مبارزه فردی یک کارگر. بدون انکار شخصیت های مبارز و اثر گذار جنبش کارگری باید به این واقعیت توجه داشت که فرد بدون جمع، بدون تشکل سازمان یافته کارگران، ارزش هایش به سرعت به وسیله سیستم سرمایه خنثا می شود و به گونه ای فیزیکی از دور مبارزات طرد می گردد. متأسفانه برخی تبلیغات که در اطراف برخی از فعالان و یا نمایندگان کارگران صورت می گیرد دارای محتوای فرد گرایی است، که الگوی باورهای سرمایه داری است. درون مایه ای که به جای برجسته کردن نقش کلیدی مبارزات سندیکایی روی فرد متمرکز می شود و از او یک " مراد " می سازد که با نگرش قرون وسطی مبارزان مساوات طلب دوران فنودالیسم هم خوانی دارد. الگویی که یک کارگر مبارز باید بدان باور داشته باشد، تشکل جمعی کارگران است نه یک فرد.

پس از انقلاب مردمی ۲۲ بهمن سرمایه داری مافیایی آن چنان درمیان روحانیون نفوذ و گسترش یافت که به یک باره برخی از آنان سر از صندوق بین المللی پول ( نهاد مالی



امپریالیستی - آمریکایی) در آوردند و در جریان مافیایی سرمایه و با آن، به تجارت بین المللی پیوستند. بورس و مسایل مالی به جای کتابهای آسمانی، اخلاق و انسانیت معیار ارزش های آنها شد. این جماعت با پذیرفتن مناسبات نولیبرالی تعدیل ساختاری و خصوصی سازی در ایران، بنیادی را بنا گذاشتند که در جهت مخالف اصول اقتصادی قانون اساسی ایران بود، پس از آن بدون توضیح درون مایه این مناسبات به مردم، شرایط کاربردی کردن این مناسبات را فراهم نمودند. این روند اقتصادی به وسیله آقایان مدافع پنهان سرمایه داری، به رهبری "رفسنجانی" کاربردی شد، این جماعت برای عملی نمودن این نوع از مناسبات اقتصادی، می باید قانون اساسی و قانون کار را حذف می کردند که این کار به یک باره امکان پذیر نبود. لذا به گونه ای خزنده و پشت درهای بسته و با کمک مشاوران اقتصادی سر سپرده اقتصاد آمریکایی نولیبرالی، گام های پنهان برای عملی شدن را برداشتند. روندی که دستان فراماسیونرهای مافیای سرمایه داری جهانی با عنوان های استادان اقتصاد دانشگاه ها را در این سوی آب و آن سوی آب باز گذاشت تا رسانه های متعددی را برای تبلیغات در میان دانشجویان، جوانان و مردم ایران به کار اندازند، وارونه کردن اهداف انقلاب ۲۲ بهمن را توجیه کنند و مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را تنها ره رهایی کشور قلمدار بنمایند. از سوی دیگر برای پنهان نگه داشتن سرشت این روند ضد قانونی - مردمی، اقدام به ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی در مناطق مرزی نمودند و در کنار آن به ساخت تاسیسات و اسکله های واردات کالاها بدون نیاز به نظارت نهاد دولتی گمرک پرداختند، عملیاتی که هم زمان در آن مناطق به اصطلاح "آزاد" کاربردی گردید. با این تغییر در مناسبات موجود کشور، دو مناسبات متضاد در کنار هم فعال شدند که در مناسبات جدید همه کارگران فنی که از نظر منطق حتما سرمایه داری صنعتی جهان، ثروت های یک ملت هستند، چون سازنده صنایع مادر می باشند، از شمول قانون اساسی و قانون کار خارج گردیدند. پس از آن با یک هجوم د د منبانه به حقوق قانونی زحمتکشان سرتاسر ایران، کارگاه های زیر ده نفر را از شمول قانون کار خارج کردند که در عمل کارگران این کارگاه ها از اصول قانون اساسی (اصل ۴۴) و حداقل حقوق قانون کار، محروم شدند. آن هم توسط رهبر به اصطلاح اصلاح طلب ها "خاتمی" که با لبخندی مردم فریب از خود، چهره ی یک متفاوت ترسیم نموده بود. (در واقع این عملکرد خاتمی بازگشت به نظام شاهنشاهی بود، زیرا در آن زمان هم قانون کار شامل حال کارگران کارگاه های کوچک نمی شد) خارج شدن از شمول قانون کار و اصل ۴۴ قانون اساسی ضربه سنگینی به بخش بزرگی از کارگران ایران زد، و بدین گونه میلیون ها کارگر کارگاه های کوچک و خانواده های آنها

را در همه ایران از شمول قوانین، خدمات درمانی، حداقل حقوق، سنوات و بازنشستگی محروم کردند. از طرف دیگر روند گسترش مناطق به اصطلاح "آزاد" هم به مناطق مرکزی ایران توسعه یافت.

این روند، شمال، جنوب، شرق، غرب و مناطق مرکزی ایران را فرا گرفت تا اکثریت کارگران ایران و به خصوص کارگران قرارداد موقت را از زیر چتر کم خاصیت قانون اساسی و قانون کار خارج کنند و به جای قضاوت هیات های حل اختلاف بین کارگران و کارفرما، مراجع شرعی با احکام شلاق و زندان کارگران درمانده از بی قانونی را به بردگی اسلامی بکشانند، به گونه ای که سرمایه داران این را یک حق خود می دانند که ماه ها حقوق توافق شده کارگران را پرداخت نکنند. بر اساس این قانون نولیبرالی و مناسبات ضد کارگری که حاکمیت کاربردی کرده است؛ اعتراض کارگران برای چندرغاز حقوق توافق شده، امنیت ملی را به خطر می اندازد و تبلیغ علیه نظام و . . . است!!!! و جزو جرم ها و جنایات محسوب می گردد. از سوی دیگر برای کاربردی نمودن اصول تعدیل ساختاری و خصوصی سازی از پشت پرده های استتار بیرون آمدند و چشم در چشم کارگران و کلیه حقوق بگیران با شوک درمانی و بازی با نرخ ارز، برای سرو ته دوختن فساد مالی شان، قدرت خرید همه حقوق بگیران را به شدت کاهش دادند، بدون این که نیازی به از میان برداشتن حداقل حقوق را داشته باشند. پس از شوک درمانی نرخ ارز را ۵۰ درصد کاهش دادند ( از ۱۹ هزار تومان به زیر ۱۰ هزار تومان رساندند) تا دلان حاشیه نشین نظام شان باز هم بتوانند از جیب خالی کارگران و حقوق بگیر کسب درآمد کنند و ساکت بشوند. ولی نرخ کالاهای ضروری و روزمره کارگران هم چنان روند صعودی را پیش گرفته است به گونه ای که نرخ تورم واقعی نه ( شعبده بازی دولتی) بیش از صد در صد بالا رفته است ولی آقایان خودشان اعتراف می کنند نرخ تورم نقطه به نقطه ۴۰ در صد شده است ولی نوید می دهند در سال آینده حقوق ۲۰ درصد رشد خواهد کرد!!!! معنای دیگر این ادعایی که امید به عملی شدن آن نیست، یعنی با تورم نقطه به نقطه ایشان، باز در سال آینده ۲۰ درصد دیگر قدرت خرید کارگران سقوط می کند. (با توجه به این واقعیت که ۹۰ درصد کارگران قرارداد موقت و دانش اموختگان دانشگاه ها بیکارند این رشد نرخ ۲۰ در صدی حقوق یک شوخی زشت است.) تازه آن هم مشروط است به این فرض، که آقایان قصد بازی مجدد با نرخ ارز را نداشته باشند. در حالی که در سال پیش در همین زمان نرخ مرغ ارزان ترین مواد پروتیینی که مردم قادر به خرید آن بودند از ۶ هزار تومان به ۱۱ هزار و ۹۵۰ تومان امروز رسیده است و

۹۰۰ سی سی شیر به ۲ هزار و ۶۰۰ تومان آن هم با طعم آب و وزنی کمتر و . . و . . نان که وضع فاجعه باری دارد، نان با نرخ آزاد باز هم گرانتر شده و ۱۳۰۰ تومان نان سنگک به ۱۵۰۰ تومان رسیده و وزنش یک چهارم کم شده ولی دیگر سبوس دار هم، نیست. تا بیماری قند، پوکی استخوان، سوتغذیه و بیماری های دیگر بر سر حقوق بگیران سر ریز شود.

در این شرایط ناهنجار که دولت از تظاهرات پراکنده مردم و اعتراضات آنها به این روند سرمایه داری دلالی اعتنایی نمی کند و به صندلی نظامی خود لمیده و با ریشخند به راه ضد قانونی و ضد مردمی (نولیبرالی) خود می رود. شاهد پراکندگی شعارها و راه حل هایی هستیم که به وسیله عوامل سرمایه در میان جنبش کارگری راه باز نموده است. اعتصاب هفت تپه بدون آزاد شدن برخی از نمایندگان شکسته می شود، در حالی که عده ای هم چنان با پیگیری به مبارزه ادامه می دهند. اگر چه شعار نفی خصوصی سازی مطرح می شود ولی با کمال تاسف شعارهای مبارزه برخی از فعالان و سندیکا ها حول معول ها می چرخد و علت اصلی را که مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی (نولیبرالی) حاکمیت است ندیده گرفته می شود. باید توجه داشت که مبارزه با مناسبات نولیبرالی جدای از مبارزات صنفی کارگران نیست. زیرا علت کاستی های موجود، علاوه بر مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی نارسایی و کاستی هایی است که در قانون اساسی وجود دارد. این موانع و کاستی های قانون اساسی است که این امکان را فراهم نموده تا دولت ها بدون توجه به نظر مردم به تغییر قانون اساسی و مناسبات اقتصادی آن بپردازند. تغییراتی که بیش از چندین دهه است که اقتصاد ایران را به سراشیبی سقوط غلطانده است. ولی حاکمیت با تکیه بر این نارسایی های قانونی بر روند ضد مردمی نولیبرالی پای می فشارد. در این میان نگرشی که از این ناآگاهی خطرناک تر است، فرد گرایی است که برخی آگاهانه به آن دامن می زنند و برخی دیگر ندانسته به دام آن افتاده اند. در مبارزات ایدیولوژیک سرمایه داری، مبارزات جمع نفی می شود و بار مبارز و پیروزی را به فرد منصوب می کنند. حتا جنایات تاریخی نظام سرمایه داری را به افراد یا یک واقعه نسبت می دهند تا علت واقعی که ساختار بیمار سرمایه داری است از زیر نقد خارج گردد. کارگران ایران نباید به این گونه دام ها گرفتار شوند. اگر کارگری می تواند به صورت یک قهرمان، زندان، اعتصاب، اعتصاب غذا و شلاق را به پیروزی بدل کند، به دلیل پشتیبانی جمعی است که میدان مبارزه را ترک نکرده اند و با پیگیری به مبارزه ادامه می دهند. والا فرد بدون مبارزه ی جمعی همه کارگران، در زیر چرخ دندانه های

سیستم سرکوبگر نولیبرالی متلاشی می شود. در مبارزه طبقاتی در جبهه کار، قهرمان جمع کارگران متشکل در سندیکا است که با پیگیری و ادامه مبارزه، نیروی افراد سندیکا را پاسداری می کنند. کارگران می باید نگرش های ماکیاولیستی سرمایه داری را به خوبی بشناسند و از ترفند های ریاکارانه آن اطلاع داشته باشند. شاید ضروری باشد نمونه ای تاریخی از این چهره های سرمایه داری در زیر پوشش چپ را نشان بدهیم.

### شکست در جبهه کار جهانی

بحران از درون جنبش کارگری اتحاد جماهیر شوروی سر بازکرد، با شروع یک بحران اقتصادی-اجتماعی که ناشی از ساختار سوسیالیسم نبوده و به وسیله امپریالیسم با جنگ ستارگان و دخالت غیرضروری شوروی در افغانستان ایجاد شده بود روند فروپاشی مناسبات سوسیالیستی کلید خورد. با شکست جنبش جهانی کار، به یک باره شاهد ظهور ریاست جمهوری های مادام العمر و سرمایه داری مافیایی در کمیته مرکزی حزب کمونیست شدیم!!! در جایی که کسی انتظار آن را نداشت. آن هم درسزمینی که کارگران و مردمش تا چندین دهه با همه وجود با ارتش های امپریالیستی مبارزه کرده و در جنگ بزرگ میهنی که همه کشورهای قدرتمند استعماری در آن شرکت کرده بودند و در جنگ دوم جهانی آنها را شکست داده بودند، فاشیسم، نازیسم و مناسبات استعماری را به زیاله دان تاریخ ریختند. ولی سرمایه داری که خود را در پشت ماسک چپ پنهان نموده بود در درون کمیته مرکزی نفوذ و رشد کرد. رشدی که ناشی از عوارض دیکتاتوری فردی و قدرت فوق العاده دبیر اول حزب و عواقب عدم گسترش عملی حزب کمونیست به سوی مشارکت دادن مردم در اداره نهادهای اجتماعی و سپردن تدریجی قدرت به کارگران بوده است. مبارزه طبقاتی تنها به یک حزب منحصر شد و از مردم فاصله گرفت. پروسه ای که شرایط عقب ماندگی بیشتر کشورهای جهان و نفوذ عوامل امپریالیستی، جنگ سرد و ستارگان، محاصره اقتصادی و نظامی کشورهای سرمایه داری به نظام سوسیالیستی تحمیل نموده بود. حزب کمونیست اتحاد شوروی با آن پشتوانه بزرگ مبارزاتی را به بیراهه دوری از مردم کشاند. روندی که لنین با نگرانی به آن پرداخته بود.. لنین ، مجموعه آثار جلد ۴۴ رویه ۳۴۸:

"یکی از بزرگترین و مهیب ترین خطر ها برای حزب حاکم که گذار به سوسیالیسم را انجام می دهد خطر گسستن از توده هاست".

دیدیم زمانی که بخشی از ارتش برای خنثا کردن کودتا عوامل امپریالیسم ( گورباچف و باندش) به خیابان ها آمدند مردم در سکوت تنها مشاهده گر این روند فروپاشی شدند.

بدون توده ها هیچ حاکمیتی پایدار نمی ماند حتا اگر صادقانه به خلق خدمت نموده باشد. در ایران نه فقط به خلق و به خصوص کارگران و حقوق بگیران خدمتی نشده بلکه به مرور قانون کاری را که در زمان شاه آن نوکر امپریالیسم هم شامل حال بخشی از کارگران می شد از آنها گرفته است و هر روز ترفند جدیدی برای خارج کردن اقلیتی از حقوق بگیران را که هنوز از آن قانون سر و دم بریده بهره می برند تدارک می بینند.

امروزه کارگران باید در مبارزه برای عدالت اجتماعی شعاری را فریاد بزنند که حاکمیت فردی را نفی می کند و مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را باید به گور بسپارد، و از سوی دیگر مانع از رشد نگرش و اندیشه های فرد گرایی و قهرمان پروری در میان خود باشند. فرد بدون جمع نه قهرمان است و نه توانایی مبارزه را دارد. فرد گرایی و برجسته کردن آن یک نگرش کهنه سرمایه داری است که می تواند جنبش کارگری ایران را فلج کند. در اعتصاب کارگران هفت تپه دیدیم اگر چه افرادی را دستگیر کردند ولی ادامه اعتصاب به وسیله دیگر کارگران سردمداران سرمایه را وادار به عقب نشینی نمود به خصوص وقتی دیگر اقشار اجتماعی دست به اعتراض زدند. مانند دیگر کارگران، فرهنگیان، دانشجویان و وکلا و ...

برای پیشگیری از روند فرد گرایی هر سندیکا باید یک هیات اجرایی داشته باشد که به وسیله کارگران انتخاب شده باشد، این هیات با مشاوره جمعی وبا احترام به نظر اکثریت افراد و اساسنامه و برنامه تدوین شده سندیکا، سندیکا را هدایت می کند، نه یک فرد خاص و مبارز. حتا اگر به دلیل مشکلات موجود در مناسبات حاکمیت، حرکت کارگران به صورت خود به خودی هم صورت گرفته باشد، می باید در همان اجتماع خود به خودی یک هیات چند نفره برای اداره حرکت جمع انتخاب گردد، تا با شیوه شورایی جمع کارگران را هدایت کند. این هیات در واقع نمایندگان کارگران هستند. فرد به وسیله نظام سرمایه داری به سرعت حذف فیزیکی می شود ولی جمع هم چنان با قدرت باقی خواهد ماند. با شناخت بیشتر می توانیم مشکلات را پشت سر بگذاریم وبه حقوق قانونی و انسانی خود برسیم.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران سخنگو ناصر آقاجری ۲۶ آذر ماه ۹۷

## وضع معیشت بازنشستگان از کارگران هم بدتر است!

امروز وضع معیشت بازنشستگان از کارگران هم بدتر است چون سن و سالی از آنها گذشته و دیگر نمی‌توانند کار کنند ولی متأسفانه بازنشستگان برای تامین هزینه‌های کمرشکن زندگی و درمان و دارو در به در دنبال کار می‌گردند و حتی به نظافت و نگهبانی در ساختمانها هم تن می‌دهند.

سبد حمایت غذایی دولت به همه فرهنگیان و کارمندان و بازنشستگان دولتی داده شد الا کارگران و بازنشستگان تامین اجتماعی و مدام از ما می‌پرسند چرا سبد کالا به بازنشستگان و کارگران داده نشده است؟ اگر قرار بوده بسته‌های حمایت غذایی به یک عده و گروه‌های خاصی داده شود چرا از ابتدا اعلام همگانی کردند و افراد زیر سه میلیون تومان را مشمول دریافت سبدکالا دانستند؟

باوجود آن که کارگران پرچمدار اقتصاد مقاومتی هستند و بازنشستگان همواره مورد احترام و تکریم قرار می‌گیرند ولی در چنین مواقعی نادیده گرفته می‌شوند و از همین مزایای اندک هم محروم می‌مانند. بعضی به ما گزارش می‌دهند بازنشستگان با دریافتی سه میلیون و ۱۰ هزار تومان هم شامل دریافت بسته حمایت غذایی نشده‌اند و به خاطر ۱۰ هزار تومان نتوانسته‌اند سبد کالا بگیرند،

تنها راه کمک به معیشت خانوارهای بازنشسته کارگری ترمیم حقوق آنها است و در کنار آن لازم است همسان‌سازی حقوق بازنشستگان نیز با جدیت پیگیری شود.

**نصرت آبادی بازنشسته**

## قانون موقت کار؛

خیانتی دیگر از سوی رهبران خانه کارگر

ابولقاسم سرحدی زاده یکی از وزرای کار سابق در مصاحبه‌ای که خبرگزاری "ایلنا" در ۱۸ آذر با وی انجام داده است به نقش حسین کمالی و سران خانه کارگر علیه حقوق کارگران هم اشاراتی داشته است. حرفهای سرحدی زاده اگرچه گاهی از کوه ضرباتی است که این تشکل ضد کارگری بر پیکر طبقه کارگر وارد نموده است ولی نشان می‌دهد که اقداماتی چون رواج قراردادهای موقت و حذف کارگران از شمول قانون کار از ابداعات و ابتکارات این جماعت ضد کارگر بوده اند. بخش‌های از این مصاحبه را که به خیانت سران وابسته خانه کارگر اختصاص دارد جهت اطلاع علاقمندان به مسائل کارگری آورده‌ایم:

### ابوالقاسم سرحدی زاده :

آقای «حسین کمالی» آمد و به من گفت: قرارداد موقت را در قانون کار بگنجان. خب کارگری که قرارداد یک ماهه و سه ماهه دارد چه آینده‌ای می‌تواند داشته باشد. متأسفانه این آقایان با پرداختن به قرارداد موقت، قانون کار را از بین بردند. وقتی شما به قرارداد موقت شکل قانونی می‌دهید یعنی قانون کار را ساقط کرده‌اید. سالی که بحث قرارداد موقت را پیش کشیدند، زیرآب قانون کار را زدند

در زمینه اعمال خواسته‌های ما افراط صورت گرفت و خروجی آن چیزی نبود که می‌خواستیم. عده‌ای از برادران ما در خانه کارگر که در نگارش پیش نویس قانون کار مشارکت داشتند، به قانون کار ضربات مهلک و کشنده‌ای زدند. آنها آمدند و بحث قرارداد موقت کار را مطرح کردند و گفتند برای حمایت از تولید در کارگاه‌های موقت، قرارداد موقت منعقد کنید. حرف

ما این بود که اگر موضوع قرارداد موقت را در قانون کار ذکر کنیم بعدن همین را دست می‌گیرند و می‌گویند باید در کارگاه‌های دایم هم با کارگران قرارداد موقت منعقد کرد. قرارداد موقت که معنی ندارد؛ تا کارگاهی دایر است باید کارگر در آن مشغول به کار باشد.

البته اینقدر در مخالفت با آنچه کمونیستی می‌نامندش، تند رفتند که گفتند کارگر باید در اجاره کارفرما درآید و حتا نباید به او گفت، کارگر. من آن زمان که می‌خواستند این بحث‌ها را در پیش‌نویس قانون بیاورند، بحث کردم. به آنها گفتم شما می‌گویید: کارگر از باب اجاره. یعنی کارگر در اجاره کارفرماست. به شورای نگهبان گفتم آقایان بیاید به رساله‌های فقهی خود نگاه کنید که کارگر در آنها چه حقوقی دارد.

### اسداله صادقی دبیر سابق سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

پرسش: مهلت مراجعه به سازمان تامین اجتماعی جهت دریافت بیمه بیکاری چقدر است؟

✓پاسخ: کارگر اخراجی پس از اخراج یک ماه فرصت دارد تا به اداره کار مراجعه و درخواست مقرری بیمه بیکاری کند.

◆ در صورت عذر موجه مثل بیماری تا حداکثر سه ماه نیز میتواند مراجعه کند و شایان ذکر است محدودیتی در تعداد دفعات قابل استفاده از بیمه بیکاری وجود ندارد.

◆ مدت استفاده از بیمه بیکاری برای افراد مجرد ۳۶ ماه و ۵۰ ماه برای بیمه شدگان متأهل میباشد.



## جلیقه زردهای فرانسوی چه می‌خواهند؟

### الف: اقتصاد/ اشتغال:

۱- در قانون اساسی درج شود که دولت نمی‌تواند بیش از ۲۵ درصد از شهروندان مالیات بگیرد. ۲- افزایش ۴۰ درصدی حداقل دستمزد. ۳- افزایش استخدام در بخش عمومی ۴- برنامه‌ریزی برای ساخت ۵ میلیون مسکن اجتماعی. ۵- مقابله با انحصارگرایی بانک‌ها. ۶- لغو بدهی‌ها.

### ب: سیاست:

۷- نوشتن یک قانون اساسی جدید. ۸- ممنوع کردن لابی‌ها و شبکه‌های نفوذ. ۹- خروج از اتحادیه اروپا. ۱۰- استرداد ۸۰ میلیارد یورو فرار مالیاتی که هر سال در بورس اتفاق می‌افتد. ۱۱- توقف فوری خصوصی‌سازی‌ها و پس گرفتن اموال عمومی. ۱۲- جمع آوری دستگاه‌های جریمه خودکار بیهوده از جاده‌ها. ۱۳- حذف ایدئولوژی از نظام آموزش و پرورش. ۱۴- چهار برابر کردن بودجه اختصاصی برای تامین عدالت اجتماعی. ۱۵- شکستن انحصار رسانه‌ای. ۱۶- تضمین آزادی شهروندان.

### ج: بهداشت/ محیط زیست:

۱۷- وادار ساختن تولیدکنندگان به تامین قطعات به مدت ۱۰ سال جهت مقابله با "کهنگی تعمدی". ۱۸- ممنوع کردن تجاری‌سازی بطری‌های پلاستیکی و سایر مواد بسته‌بندی آلاینده. ۱۹- مقابله با نفوذ فزاینده لابراتوارهای دارویی. ۲۰- ممنوع کردن محصولات دستکاری شده ژنتیکی، کودهای سرطان آور و... ۲۱- بازصنعتی‌سازی کشور به منظور کاهش واردات و آلودگی.

## د: ژئوپلیتیک:

۲۲ - خروج فوری از ناتو. ۲۳- توقف غارت و مداخله سیاسی و نظامی در آفریقا. ۲۴- جلوگیری از مهاجرت‌هایی که امکان پذیرش و ادغام آن‌ها برای ما وجود ندارد. ۲۵- احترام به معاهده‌ها و حقوق بین الملل.

## چرا جلیقه‌ی زرد؟

درفرانسه باید داخل هر ماشین یک جلیقه زرد باشد برای زمانی که ماشین خراب می‌شود راننده‌ها بپوشند و کنار بزنند تا ماشین را تعمیر کنند. حالا جلیقه‌ی زرد پوشیده‌ایم تا بگوییم کشور خراب شده و باید تعمیرش کرد.

گاردین از قول یک پیرمرد بازنشسته ۷۰ ساله که به جنبش جلیقه زردها پیوسته می‌گوید: از ۱۷۸۹ ما فرانسوی‌ها انقلاب‌های زیادی داشته‌ایم. از شر شاه خلاص شدیم اما هنوز می‌جنگیم چون ثروتمندان هنوز در قدرتند و نابرابری هنوز پابرجاست

## نبوغ کارگری

"علی خسرو شاهی" مدیر و کارخانه دار صاحب کارخانجات پارس مینو در کتاب خاطراتش آورده است:

یک کارخانه شکلات سازی سوییسی گاهی به دلیل ایراد دستگاه هایش در خط تولید، بسته بندی خالی رد می کرده، بدون اینکه در داخل بسته شکلات بگذارد و همین بسته های خالی احتمالی، باعث نارضایتی مشتریان می شده

است. مسوولان این کارخانه سوییسی آمدند کلی تحقیق کردند، و دست آخر پس از حدود یک و نیم میلیون دلار هزینه، به این نتیجه رسیدند که سر راه دستگاه نوعی وسیله لیزری بگذارند که بسته بندی های خالی را به طور اتوماتیک شناسایی کند و بردارد.

با شنیدن این خبر نگران شدم. چون دستگاه ما هم مشابه همان کارخانه شکلات سازی، ساخت همان شرکت سوییسی بود، دستور تحقیق دادم، بعد از یک هفته سرپرست ماشینها آمد و گفت: بله درست است، در دستگاههای ما هم چنین ایرادی دیده شده و حتماً ممکن است چنین محصولاتی به بازار هم راه پیدا کرده باشد.

نگرانی ام زیادتز شد و تصمیم گرفتم در جلسه هیات مدیره روی موضوع بحث کنیم. می خواستم نظر هیات مدیره را در مورد یک و نیم میلیون دلار خرج احتمالی اخذ کنم. فردای آن روز با اعضای هیات مدیره برای بازدید از ماشین به کارگاه تولید رفتیم و دیدیم یک پنکه روی صندلی جلو میز ماشین قرار دارد. از کارگر ساده جوان، بالا سر ماشین پرسیدم: این برای چه است؟

گفت: ماشین گاهی بسته خالی میزنه. من هم این پنکه را که تو انبار بود آوردم، گذاشتم سر راه دستگاه که بسته های خالی از شکلات را با باد پرت کنه بیرون.

نگاهی به هیات مدیره کردم، تمامشان رنگشان پریده بود.

به کارگر خلاق جوان که ما را از شر، یک و نیم میلیون دلار، خرج اضافی رهاییده بود، یک تشویق نامه به اضافه یک ماه حقوق و یک خانه در کرج هدیه دادم.

## کودکان کار؛ آگهی وقیحانه یک مرکز دانشگاهی

«کودکان پتانسیل بالایی برای کار و تلاش دارند، درحالی‌که توقعات چندانی هم برای شرایط کار و دستمزد ندارند، یعنی بهترین فرصت برای اشتغال! ایده‌های نوآورانه درباره نحوه اشتغال‌زایی این کودکان را در سامانه ما ثبت کنید...»

به نوشته روزنامه شرق، انتشار این آگهی با موجی از واکنش‌های متفاوت روبرو شد و بسیاری از مخاطبان که ناباورانه به تصویر این آگهی نگاه می‌کردند برای اطمینان از صحت آگهی به آدرس اینستاگرام این مرکز مراجعه کرده و از واقعی بودن آن شگفت‌زده شدند.

این متن نه یک آگهی قرن‌نوزدهمی برای فراخواندن ایده‌های برتر استثمرار کودکان، بلکه مطلب منتشرشده توسط سامانه نوآوری اجتماعی بود که با حمایت دانشگاه تربیت‌مدرس، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت کشور و معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه برای جمع‌آوری و اجرای ایده‌هایی برای حل معضلاتی مانند کودکان کار، زنان سرپرست خانوار، حاشیه‌نشینی و بی‌کاری ایجاد شده است.

حال به نظر می‌رسد سامانه‌ای که در ابتدا با هدف کاهش معضلات اجتماعی فعالیت خود را آغاز کرده، اکنون به فکر درآمدزایی از این معضلات است و اگرچه به‌عنوان «مرکزی برای جمع‌آوری ایده‌های حل یا کاهش آسیب‌های اجتماعی» ایجاد شده، اما در سایت خود از مخاطبان درخواست می‌کند ایده‌هایشان را برای ایجاد کسب و کار درباره معضلات اجتماعی ارایه کنند تا با کمک متخصصان حوزه کسب و کار به‌عنوان راهنما این ایده‌ها را اجرایی کنند و حتی جوایزی نیز برای ایده‌های برتر در نظر گرفته شده است.

## تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

خانم معلمی تعریف می‌کرد: « در مدرسه ابتدایی مدتی بود تعدادی از بچه‌ها را برای یک سرود آماده می‌کردم به نیت اینکه آخر سال مراسمی گرفته شود و پدر و مادرشان هم دعوت شده و بچه‌ها در مقابل معلمان و اولیا سرود را اجرا کنند. چندین بار تمرین کردیم و سرود رو کامل یاد گرفتند. روز مراسم بچه‌ها را آوردم و مرتبشان کردم. باهم در مقابل اولیا و معلمان شروع به خواندن سرود کردند. ناگهان دختری از جمع جدا شد و بجای خواندن سرود شروع کرد به حرکت دادن دست و پا و خودش را عقب جلو می‌کرد و حرکات عجیبی انجام می‌داد. بچه‌ها هم سرود را می‌خواندن و ریز می‌خندیدند، کمی مانده بود بخاطر خنده‌شان هرچه ریسیده بودم پنبه شود. سرم از غصه سنگین شده بود و نمی‌توانستم جلوی چشم مردم یک تنبیه حسابی هم بکنم.

فکرم مشغول بود: « خب چرا این بچه این کار رو می‌کنه، چرا شرم نمی‌کنه از رفتارش؟ این که قبلش بچه زرنگ و عاقلی بود!! نمونه خوبی و تو دل بروی بچه‌ها بود !!» رفتم روبرویش، بهش اشاراتی کردم، هیچی نمی‌فهمید به قدری عصبانی‌ام کرده بود که آب دهانم را نمی‌توانستم قورت بدهم. خونسردی خود را حفظ کردم، آرام رفتم سراغش و دستش را گرفتم. انگار جیوه بود خودش را از دستم رها کرد و رفت آن طرف تر و دوباره شروع کرد!

فضا پر از خنده حاضران شده بود، همه سیر خندیدند. نگاهی گرداندم، مدیر را دیدم، رنگش عوض شده بود، از عصبانیت و شرم عرق‌هایش سرازیر بود. از صندلیش بلند شد و آمد کنارم، سرش را نزدیک کرد و گفت: « فقط این مراسم تمام شود، ببین با این بچه چکار کنیم؟! اخراجش می‌کنم، تا عمر دارد نباید برگردد مدرسه» من هم کمی روغنش را زیاد کردم تا اخراج آن دانش‌آموز حتمی شود.

حالا کسی که کنارم بود مادر همان بچه بود. رفته بود جلو و تمام جوگیر شده بود. بسیار پرشور می‌خندید و کف می‌زد، دخترک هم با تشویق مادر گرم‌تر از پیش شده بود.

همین که سرود تمام شد پریدم بالای سن و بازوی بچه را گرفتم و گفتم: «چرا اینجوری کردی؟! چرا با رفقاییت سرود را نخواندی؟!» دخترک جواب داد: «آخر مادرم اینجاست، برای مادرم این‌کار را می‌کردم!!» معلم گفت: «با این جوابش بیشتر عصبانی شده و توی دلم گفتم: آخر ندید بدید همه مثل تو مادرپادرشان اینجاست، چرا آنها این چنین نمی‌کنند و خود را لوس نمی‌کنند؟!»

چشم‌ام گرد شد و خواستم پایین بکشمش که گفت: «آموزگار صبر کن بگذار مادرم متوجه نشود، خودم توضیح می‌دهم؛ مادر من مثل بقیه مادرها نیست، مادر من "کرولال" است، چیزی نمی‌شنود و من با آن حرکاتم شادی و کلمات زیبای سرود را برایش ترجمه می‌کردم تا او هم مثل بقیه مادران این شادی را حس کند! این کار من رقص و پایکوبی نبود، این زبان اشاره است، زبان کرولال‌ها.»

همین که این حرف‌ها را زد از جا جهیدم، دست خودم نبود با صدای بلند گریستم و دختر را محکم بغل کردم!! آفرین دختر، چقدر باهوش، مادرش چقدر برایش عزیز، ببین به چه چیزی فکر کرده!!! فضای مراسم پر شد از پیچ‌پیچ و درگوشی حرف زدن و ... تا اینکه همه موضوع را فهمیدند، نه تنها من که هرکس آنجا بود از اولیا و معلمان همه را گریانند!! از همه جالبتر اینکه مدیر آمد و عنوان دانش‌آموز نمونه را به او عطا کرد!!

با مادرش دست همدیگر را گرفتند و رفتند، گاهی جلوتر از مادرش می‌رفت و مثل بزغاله برای مادرش جست و خیز می‌کرد تا مادرش را شاد کند!!

## خشونت قانونی علیه کودکان!؟



**طرح افزایش حداقل سن ازدواج در کمیسیون قضایی مجلس رد شد.**

الهیار ملکشاهی نماینده مردم کوهدشت در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرگزاری فارس در تایید این خبر افزود: در این طرح آمده بود که از سن ۱۳ سال به پایین اجازه ازدواج داده نشود و سنین ۱۳ تا ۱۶ با اذن ولی و دادگاه این کار انجام شود و طراحان در این طرح دنبال افزایش سن ازدواج بودند و در نهایت کمیسیون در بررسی این طرح به این نتیجه رسید که این طرح امکان ادامه بررسی آن وجود ندارد و از جهات فقهی و هم اجتماعی دارای اشکالاتی است و..

□□ کمیسیون قضایی مجلس به این نتیجه رسیده است که لغو ازدواج کودکان به لحاظ فقهی و اجتماعی دارای اشکالاتی است.

یعنی کودکان زیر ۱۳ سال توانایی ازدواج دارند!!

بعد از سالها مبارزه جنبش زنان و دیگر جنبشهای اجتماعی برای لغو ازدواج کودکان نهایتن کمیسیون قضایی مجلس مخالفت خود را با لغو کودک همسری اعلام کرد. کودک همسری در مغایرت با حقوق کودکان و نابودی همه زمینه های رشد و بالندگی آنان است. "کودک همسری" خشونتی آشکار به ساحت فرزندان این جامعه و به خصوص دختران خردسال است. در جایی که سنین کودکی مختص بازی و آموزش و کسب مهارتهاست، چگونه تفکری میتواند اینگونه متحجرانه بادست یازیدن به عقب مانده ترین توجیهات، برای زندگی کودکان پایانی تلخ را رقم زند.

بدون تردید پایین ترین لایه های اقتصادی جامعه یعنی کودکان نواحی محروم و در حاشیه مانده، به منجلا ب این قانون ضد انسانی در افتاده و خواهند افتاد. فقر مطلق در این نواحی بعضن خانواده ها را مجبور به تن دادن به این خشونت خواهد نمود، خشونتی قانونی و حمایت شده.

بدون تردید جامعه بالنده ما در مقابله با این خشونت قانونی ساکت نخواهد نشست.

ما از شورای شهر چه می خواهیم؟

حق بر شهر از جمله حقوقی است که باید توسط شورای شهر رعایت شود. آیا کودکان کار حق در این شهر ندارند که باید کودکی شان در خیابان بگذرد؟؟

چه حقی از این کودکان ضایع شده است که در خیابان های شهر سرگردانند؟؟



## سومین قهرمانی دختر نابغه‌ی بلوچستانی!



در رقابتی بین‌المللی از میان ۲۲۰۰ نفر از ۷۵ کشور جهان، «یُسرئ سلیمانی» دختر نابغه‌ی ایرانی به مقام قهرمانی دست یافت. یُسرئ خانم کلاس ششم ابتدایی (۱۲ ساله) اهل فنوج سیستان و بلوچستان است و امسال برای سومین بار متوالی، در مسابقات «محاسبات ذهنی جهان (محاسبات ریاضی با چُرَته‌که)» در مالزی نفر نخست این مسابقات شد. افتخارآفرینی این دختر نابغه‌ی بلوچستان ایران را به خود او و خانواده محترمش و مردم مستعد و تلاشگر استان سیستان و بلوچستان و به تمامی هموطنان ایرانی تبریک عرض می‌کنیم.

باعث سرافکندگی مسئولان آموزشی کشور است که خانواده‌ی یُسرئ ناچار شدند هزینه‌ی سفر او به مسابقات مالزی ۲۰۱۸ را بپردازند!

دور نیست زمانی که یُسرئ سلیمانی عزیز و نخبگانی مانند او که بر محرومیت غلبه کرده و راه پیشرفت خود را با مقاومتی ستودنی باز می‌کنند، جا پای افتخارات امثال زنده‌یاد مریم میرزاخانی بگذارند. اگر «قدر نبوغ» آنها دانسته شود.

## تاریخچه جنبش سندیکایی در ایران از آغاز تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (۲)

سالهای اولیه رشد جنبش سندیکایی در ایران، دوران انقلاب مشروطه اولین اتحادیه کارگری در چاپخانه «کوچکی» در تهران، در سال ۱۲۸۴ تشکیل شد. نخستین اتحادیه کارگران چاپخانه ها نیز در تهران در سال ۱۲۹۰ فعالیت خود را آغاز کرد. همزمان با اتحادیه کارگران چاپخانه ها، اتحادیه های همانندی در دیگر کارخانه ها تشکیل شد که منحصر به تهران نبود و کارگران مشهد، بندرانزلی و نقاط دیگر را نیز در بر می گرفت. شعارهای ۸ ساعت کار روزانه، زمین برای دهقانان و برپایی جمهوری، در زمان انقلاب مشروطه ایران توسط همین پیشگامان جنبش سندیکایی مطرح شد. همین پیشگامان جنبش سندیکایی در مراحل مهم انقلاب مشروطه در تبریز، رشت، تهران و مشهد شرکت فعال و موثر داشتند. با سرکوب انقلاب مشروطه، جنبش سندیکایی و اتحادیه های کارگران ایران نیز مورد هجوم رژیم استبدادی، بویژه یورش محافل استعمارگر مسلط بر دربار قاجار قرار گرفت. افول جنبش سندیکایی در سالهای پس از انقلاب مشروطه، نتیجه یورش مشترک ارتجاع و استعمار به منافع مردم ایران و بیش از همه منافع طبقات زحمتکش بود که از همان آغاز خود را به عنوان مدافعان سرسخت و پیگیر استقلال، آزادی و دموکراسی و مبارزین پیگیر علیه تسلط استعمار به دشمنان داخلی و خارجی معرفی کرده بودند. دوران رشد جنبش سندیکایی در ایران در همان حالی که بعد از سرکوب انقلاب مشروطه، ارتجاع داخلی و استعمار خارجی، جنبش سندیکایی ایران را دفن شده می پنداشتند، بر پایه افزایش تعداد کارگران در ایران و بر زمینه فضای انقلابی در جهان و بسط جنبشهای انقلابی در داخل کشور، جنبش سندیکایی و کارگری در ایران گسترش قابل ملاحظه ای پیدا کرد.

## پیدایش حیات، ظهور و تکامل انسان (۲۳)

### □ مکان اصلی اجداد انسان

✓ در دوره‌های میوسن و پلیوسن (دوره‌های دوران سوم) تغییرات شگرفی در طرز زندگی میمون‌های آدم‌نمای فسیل‌شده و تعداد کثیری از حیوانات دیگر رخداد که ناشی از حوادث عظیمی بود که منجر به دگرگونی قاره‌ها گردید. در طی میلیون‌ها سال سلسله جبال بسیار بزرگ بر قدیم پیدا شدند؛ در بسیاری از نقاط آب و هوا خشک‌تر و حاره‌ای‌تر شد؛ جنگل‌های انبوه نواحی استوایی ابتدا تُنک‌تر شد و سپس رفته رفته از بین رفت. میمون‌ها مانند بسیاری از حیوانات دیگر به زندگی در درختان جنگل خو گرفتند؛ آن‌هایی که موفق نشدند با شرایط جدید در این فضای باز بسیار بزرگ سازش کنند در اکثر موارد از بین رفتند، بعضی از آن‌ها به سوی جنوب کوچ کردند، و فقط تعداد خیلی اندک بابون‌ها و میمون‌های آدم‌نمای اجداد انسان منحصراً به زندگی بر روی زمین - نه روی درخت - خو گرفتند.

✓ شامپانزه و گوریل که از گروه دریوپیتکوس در اواسط دوران سوم زمین‌شناسی مشتق شده‌اند، در مقایسه با اورانگوتان و ژیبون، نزدیکی بیشتری به انسان را نشان می‌دهند. اجداد انسان نیز از اخلاف همین گروه هستند.

✓ داروین مینویسد که فقط انسان دویایی شد، این کیفیت را او تا حد بسیار زیادی مدیون دست‌ها و پا‌های اجداد خود، میمون‌های آدم‌نماست که دست و پای آن‌ها در همان حال که بر روی درختان می‌زیستند، از جهات مختلف رشد و تکامل یافت. راست راه رفتن جبرن جریان افتراق را تسریع کرد و پای میمون را که هم تکیه‌گاهش بود و هم برای گرفتن اشیاء به کار می‌رفت، به پای انسان که منحصراً تکیه‌گاه اوست، تبدیل کرد.

✓ داروین اظهار داشت که تکامل میمون‌های آدم‌نما به صورت انسان در نتیجه‌ی بعضی خصوصیات مانند رشد بسیار زیاد مغز، و متمایز شدن دست‌ها از پاها، تسهیل شد - دست‌ها قبل از آن به صورت اعضای خاصی برای آویزان شدن به شاخه‌ها، به چنگ گرفتن میوه‌ها و کارهای دیگری درآمده و پاها اصولن به عنوان عضو نگه دارنده و حامل بدن به کار رفته بود. راست راه رفتن و رشد بسیار زیاد مغز و غریزه‌ی زیست اجتماعی، عوامل بزرگی در اختراع ابزار، ایجاد زبان و طرق ایجاد آتش بود که همه انسان را در جریان بعدی تکامل تا حد بسیار زیادی مافوق سایر حیوانات قرار داد.

✓ چه عواملی از لحاظ زیست‌شناسی در تغییر و تحول میمون‌های آدم‌نما به انسان موثر افتاد؟ بنا به عقیده داروین عوامل اساسی بدین قرار است: انتخاب طبیعی، استعمال و عدم استعمال عضو، انتخاب جنسی. اما امروزه ما می‌دانیم که خاصیت استعمال و عدم استعمال عضو، از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود فقط باعث تقویت و یا تحلیل عضو می‌گردد. دو عامل دیگر یعنی انتخاب طبیعی و انتخاب جنسی همراه با عوامل دیگری که آن زمان ناشناخته بودند، مانند؛ تغییرات ناگهانی ژنتیکی (جهش یا موتاسیون)، اثر محیط زندگی، وراثت، تغییرات ناشی از تاثیرات متقابل، در تکامل انسان نقش اساسی و تعیین کننده داشته‌اند.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران بر این باور است که:**

**در هر جامعه‌ای قراردادهای اجتماعی و اقتصادی در جهت بهبود وضعیت کشور تضمینی جز قوه قضاییه‌ای مستقل ندارد.**

## مبانی اقتصاد سیاسی نوشته نیکی تین (۴۴)

### شرایط پیدایش سرمایه‌داری

تولید کالایی تنها آن جایی پیدا می‌شود که شرایط معینی برای پیدایش آن وجود داشته باشند. مهم‌ترین شرطی که برای پیدایش و دوام تولید کالایی لازم است، تقسیم اجتماعی کار است.

منظور از تقسیم اجتماعی کار، این است که ساختن فراورده‌های گوناگون بین افراد جداگانه یا گروه‌های جداگانه مردم، تقسیم شده باشد. برای مثال، گروهی از افراد به بافتن پارچه اشتغال بورزند، گروهی دیگر کفش بدوزند، گروه سوم لوازم خانه، چهارمی کار افزار و غیره. واضح است که این افراد برای رفع نیازمندی‌های شخصی خود باید فراورده‌های کار خود را مبادله کنند، و به این طریق جمع کلیه تولیدکنندگان با یکدیگر، یک واحد تولیدی بزرگ تشکیل می‌دهد که اعضای آن وابسته به یکدیگرند.

✓ تقسیم اجتماعی کار، تنها یکی از شرایط لازم برای پیدایش و بقا تولید کالایی است.

شرایط اساسی دیگر، وجود مالکین گوناگون برای وسایل تولید در جامعه است. مورد زیر را در نظر بگیرید: شخصی چیزی ساخته است و می‌خواهد آن را به دیگری بفروشد. آیا او قادر به این کار هست؟

جواب در صورتی مثبت است که او خود مالک وسایل تولیدی که در ساختن آن شیئی به کار رفته، و بنابر این مالک خود شیئی باشد. برای مثال، علی رغم این واقعیت که در کمون‌های اولیه نوعی تقسیم کار وجود داشته، هیچ گونه تولید کالایی در آنها وجود نداشته است.

اعضای کمون محصول خود را مبادله می‌کردند، ولی آن فراورده‌ها را به یکدیگر نمی‌فروختند. آنان قادر به این کار نبودند زیرا کمون در مجموع و به طور کلی مالک وسایل تولید و فراورده‌های کار بود. وقتی فراورده کمونی در مقابل فراورده کمون دیگر مبادله می‌شد، این، مسئله متفاوتی بود. در این مورد یک مبادله مالکیت صورت گرفته بود و فراورده کار، یک کالا می‌بود.

به این ترتیب اساس تولید کالایی، تقسیم اجتماعی کار و وجود مالکین متعدد و مختلف وسایل تولید در جامعه می‌باشد. تنها زمانی که هر دوی این شرایط موجود باشند، تولید کالایی، و نوعی مبادله تولیدات، به شکل خرید و فروش پیدا می‌شود.

✓ تولید کالایی ساده، طبیعت دوگانه‌ای دارد. از طرفی چون مبتنی بر مالکیت خصوصی است، دهقان جزء یا صنعتگر دستی، خود، مالکی به حساب می‌آید و این امر او را به سرمایه‌دار نزدیک می‌کند؛ از طرف دیگر چون تولید کالایی ساده بر اساس کار شخصی استوار است، تولید کننده‌ی کالا فرد زحمتکشی است و این امر او را به کارگر، که بر خلاف او مالک هیچ گونه وسایل تولید نیست، نزدیک می‌کند. از این رو است که طبقه‌ی کارگر با دهقانان مصالح مشترکی دارد و در نتیجه می‌توانند با یکدیگر متحد شوند.

تحت بعضی شرایط اجتماعی، تولید کالایی ساده می‌تواند نقطه‌ی عزیمت و اساس تولید سرمایه‌داری قرار گیرد. از این نوع شرایط، دو تا در حال حاضر وجود دارند: نخست وجود مالکیت خصوصی وسایل تولید. می‌دانیم که این شرط در دوره‌ی فروپاشی جامعه‌ی اولیه فراهم آمد. دوم، تبدیل شدن نیروی کار به یک کالا، این امر هم طی دوره‌ی از هم پاشیدن جامعه‌ی زمینداری فراهم شد.



خدایا!!!!!!...!  
دوست دارم در آینده  
زنده باشم...

موضوع انشاء

دوست دارید در آینده چه کاره شوید

هزینه خانوارها در دولت روحانی دو برابر شد!

